

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۹۳ مرداد ۱۳۹۱

خطه شیران عزادار شد!

پیام همدردی فرقه دمکرات آذربایجان به قربانیان زلزله
هموطنان گرامی!

با کمال تأسف برائز زلزله ۶،۴ ریشتری بخش بزرگی از استان آذربایجان شرقی تخریب گردید و گروه زیادی از اهالی این منطقه کشته و یا مجروح شدند. فرقه دمکرات آذربایجان این ضایعه بزرگ را به بازماندگان قربانیان، مردم داغدار آذربایجان و همه هموطنان عزیز تسلیت می گوید.

ادامه در ص ۲

نگرانی مردم از بی توجهی دولت به آسیب دیدگان زلزله

از مهمترین رویداد های کشور که باعث تأسف و تأثر مردم جهان بویژه مردم ایران شد. زلزله ۲۱ مرداد استان آذربایجان شرقی است. این زلزله مسبب ویرانیها، کشتار و مجروح شدن بسیاری از هموطنان ما گردید. و یک نوع همدلی و همدردی جهانی را بر انگیخت. سیر پیام ها و کمک های مردم دنیا را در پی داشت و هنوز ادامه دارد. در داخل کشور این مردم بودند که بی درنگ و با تمام وجود به یاری مصیبت دیدگان شتافتند. آنچه باعث تعجب همگانی شد، عکس العمل دیر هنگام دولت مرکزی و رسانه های دولتی به این فاجعه بود. درست در لحظاتی که مردم شهرهای زلزله زده ورزقان، اهر، هریس و دیگر مناطق آسیب دیده نیاز به کمک دارند، رسانه های گروهی در سکوت بسر می برند و حتی تلویزیون برنامه سرگرم کننده «خنده بازار» را پخش می کنند. این بی توجهی باعث خشم مردم بویژه آسیب دیدگان را بر انگیخت. گرچه روز بعدها ترس از خشم و نفرت مردم دولتمردان را واکنش کرد.

ادامه در ص ۲

تغییر ساختار نظام یا تسلیم به اراده توده ها

این روزها همه جا صحبت از گذار است. حتی گروههای رقیب در حاکمیت هم وجود نا بسامانی های گسترده را انکار نمی کنند. تغییر در وضع موجود اجتناب ناپذیر شده است. اما بر سر اینکه ماهیت این بحران فراگیر چیست و راه برون رفت از آن چگونه باید باشد، هر دار و دسته حکومتی بنا بر موقعیت اش در سرای قدرت و میزان سهم بری از بیت المال، تعابیر و راه حل های گوناگون ارائه می کند. گاهی در صورت بندی مسائل از جمله کوشش زیادی می شود تا جانب اقتصادی بحران عمده شود. جمعی از اصول گرایان مشکل اصلی را احمدی نژاد و سیاستهای اجرایی اش عنوان کرده اند. دسته ای هم البته علت را در دشمنی استکبار با رژیم ولایت فقیه و تحریم های جهانی جسته اند. با همه این تمهیدات، خرابی اوضاع و احوال و صف بندی نیروها بگونه ای است که دیگر تقلیل بحران سیاسی - اجتماعی جاری به شماری مسائل کارشناسانه - اقتصادی و مدیریتی - اداری، نا ممکن شده است. تا جایی که گروه بندی های درونی رژیم بموازات تسویه حسابهای درون گروهی، ناگزیر از طرح نقشه و پروژه های سیاسی شده اند. در ماههای اخیر حضور پررنگ هاشمی رفسنجانی و موضع گیری های پرحاشیه اش به مرزبندی قطعی تری میان بخشی از اصول گرایان با منسوبان بیت رهبری انجامیده است. در حالی که رئیس شورای تشخیص مصلحت نظام، گذار از برهه حساس کنونی را مشروط به عمل درست و مدیرانه کرده و تنش زدایی و تطلیف روابط با دنیا را مبنای آن دانسته است، علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه می گوید: شرایط حساسی است. در دقیقه ۹۰ به سر می بریم. ما در آستانه فتح خیمه معاویه هستیم.

ادامه در ص ۳

به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت

۱۴ مرداد برابر است با ۱۰۶مین سالروز انقلاب مشروطیت. انقلابی که نتیجه جانفشانی و مجاهدت اقشار مختلف کشور بود. زحمتکشان، روشنفکران، بازرگانان بویژه دلیر مردان و زنان شجاع آذربایجانی در آن نقش بسزایی ایفا کردند. ماحصل این مبارزه باعث گردید تا مظفرالدین شاه فرمان شرویت را امضاء کند.

از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نارضایتی مردم از ظلم و ستم حاکمان استبدادی و اطرافیان آنها هر روز بیشتری شد. وخامت اوضاع اقتصادی، اجتماعی و آشنایی تدریجی مردم با تغییرات و تحولات جهانی بخصوص اوج گیری جنبش سوسیال دمکراسی در روسیه، اندیشه تغییر حکومت استبدادی را تقویت می کرد. تاسیس مدرسه دارالفنون و روشنفکرانی که خارج از کشور با دنیای مدرن آشنایی پیدا کرده بودند، در رشد چنین اندیشه ای نقش بسزایی داشتند.

ادامه در ص ۳

در این شماره

۶ص	کودتای ۲۸ مرداد و آثار مخرب آن
۹ص	تنگه هر رمز نقطه استراتژیک منطقه
۱۰ص	طبیعت زیبای استان سبز و
۱۵ص	جهان یکپارچه، در دستان امپریالیسم
۱۷ص	ده میلیون کارگر در بحران معیشت
۱۸ص	سوریه آخرین دژ اوتاریتاریزم
۱۹ص	مسکن حیاتی ترین خواست زحمتکشان
۱۹ص	سمت و سوی تحولات خاورمیانه
۲۰ص	عارف صفا شعرلری

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

خطه شیران عزادار شد!

نگرانی مردم از بی توجهی دولت به آسیب دیدگان زلزله

در تبریز با وعده و وعید به مردم و سفر خامنه ای به منطقه و تبلیغات گسترده رسانه های دولتی از کمک هایی که دولت به زلزله زدگان می دهد را می توان در این چارچوب دید. جالب است آقای خامنه ای بجای تنقید از اقدام دیر هنگام مقامات دولتی که باعث ضایعات جبران نا پذیری به مردم زلزله شده است از یاری رساندن دولت به آسیب دیدگان ابراز رضایت می کنند. ۴ روز پس از وقوع زلزله مفسر سیاسی تلویزیون دولتی خبر بی توجهی حاکمیت به زلزله زدگان را سیاه نمایی و کار رسانه های معاند خارجی میدانند. در حالیکه به اعتراف برخی از مقامات درون حاکمیت رسانه های خارجی سرعت عمل بیشتری در بازتاب زلزله نشان داده اند. با گذشت چند روز از فاجعه زلزله، شواهد و قرائن نشان میدهد که حاکمان کشور بیشتر برای افکار عمومی به شعار مبادرت می کنند تا عمل. زیرا هم اکنون جو امنیتی حاکم در منطقه آسیب دیده بیشتر برای کنترل نارضایتی هاست تا کمک به قربانیان زلزله. پاسداران از کمک های خودجوش مردمی به مصدومان و بی خانمان ها تحت نام "توضیح یکسان کمک ها به مردم" جلوگیری می کنند. در مواردی کمک های توضیح شده توسط نیروهای امنیتی از دست مردم گرفته شده است. حال به اظهار نظر برخی از مقامات حکومتی در این رابطه می پردازیم.

یکی از این افراد آقای علیرضا منادی سفیدان نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی است. وی یک روز پس از زلزله اهر - ورزقان - هریس - ارسباران و ... به خبرنگاران گفت: مردم از سکوت صدا و سیما در خصوص زمین لرزه آزرده خاطر هستند. علیرغم اینکه دیشب صدها نفر زیر آوار بودند، در برنامه های تلویزیونی اشاره ای به وقوع این فاجعه نشد. این نحوه برخورد احساسات عمومی را جریحه دار کرده است. الله وردی دهقانی نماینده ورزقان در مجلس شورای اسلامی گفت: وقوع زمین لرزه، توسط ستاد بحران استان مخفی نگه داشته شده بود و اولین تیم امداد ۷ ساعت پس از زلزله به منطقه اعزام شده بود. در حالیکه مردم خود بصورت خودجوش اقدام به نجات جان مصدومان و خروج اجساد قربانیان از زیر آوار کرده اند. علی علی لو نماینده شبستر در مجلس نیز از امداد رسانی ضعیف در مناطق حادثه اظهار تاسف کرد و اضافه کرد مردم این مناطق از شرایط نا ارضی هستند.

نماینده سابق مجلس شورای اسلامی از شهر اهر به خبرنگاری از تعلق دولت و رسانه ها شکایت کرد و اظهار داشت: اگر اطلاع رسانی به موقع می شد کمک های مردمی و حتی کمک های خارجی به این منطقه سرازیر می شد. متأسفانه تا ساعت ۵ صبح هنوز هیچ نیروی امدادی و کمکی صورت نگرفت. اگر دیشب امداد رسانی هوایی و بالگردهای امداد در منطقه حضور پیدا می کردند شاهد تلفات کمتری بودیم. مسعود ربیان اضافه کرد: مسئولان باید بازماندگان زلزله را دریابند و با این وضع اقتصادی آشفته و با این بیکاری مردم را تنها نگذارند و نباید این مردم به خاطر مشکلات مالی زیر ساختمانهای تخریب شده باشند و نگذارند درد دیگری به درد آنها اضافه شود.

پس از وقوع زلزله پرفسور بهرام عکاشه که به پدر علم زلزله شناسی ایران شهرت دارد. ضمن انتقاد از مدیریت بحران کشور گفت: اگر این زلزله به جای ۵ بعد از ظهر ۵ صبح رخ می داد همانند زلزله بم چندین هزار کشته بر جای می گذاشت. وی با تأکید بر اینکه در هیچ جای دنیا زلزله ۶ ریشتری کشته نمی دهد؛ حد اکثر باید ۱۰ نفر در این زلزله زخمی می شدند. در حالی که به دلیل ساختار نامناسب ساخت و سازها شهرها و روستاهای ما در این زلزله بسیار آسیب دیده اند. این نشان میدهد که مدیریت بحران ما در مقاوم سازی بسیار مشکل دارد.

مردم شهرهای اهر، ورزقان، هریس و دیگر شهرها از جمله تبریز ساعت ۵ بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ مرداد ماه شاهد زلزله ای به قدرت ۴٫۶ ریشتر بودند که باعث ویرانی و تخریب بسیاری از خانه های مردم گردید. طبق اخبار رسیده این زمین لرزه تا کنون بیش از هزار نفر قربانی و چندین هزار نفر مجروح به جا گذاشته است. هنوز ابعاد این فاجعه را نمی توان به درستی ارزیابی کرد. زیرا بخشی از روستاها بر اثر تخریب راههای ارتباطی، امکان امداد رسانی به آنها از طریق زمین وجود ندارد. مسئولین ذیربط نیز از دادن امکانات کافی به این مناطق خوداری می کنند. تا به حال اگر کمک های خود جوش مردم نبود دامنه این فاجعه می توانست بسیار گسترده تر باشد. در حالی که رسانه های گروهی با ایما و اشاره به وقوع زلزله می پرداختند. مردم شجاع تبریز و دیگر شهرهای همجوار شبانه به کمک زلزله زدگان شتافتند و جان بسیاری از زنان، کودکان و مردان گرفتار شده زیر آوار را نجات دادند. مصدومین را به بیمارستان های تبریز، ارومیه، اردبیل و دیگر شهرستانها رساندند. کوهنوردان تبریزی و دیگر شهرها در صعب العبورترین مناطق کوهستانی به کمک قربانیان شتافتند.

در حالیکه شاهدان عینی کشته شده ها را بیش از ۱۵۰۰ نفر و مجروحین را چندین هزار نفر تخمین می زنند. دولت تعداد کشته شدگان را ۲۵۰ نفر و مجروحین را حدود دوهزار نفر اعلام کرده است. روشن است دولت با کوچک نمایی فاجعه ای به این بزرگی قصد دارد مثل همیشه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. در حالیکه فرماندار ورزقان با اشاره آسیب های زلزله در بخش کوچکی از منطقه آسیب دیده، ناخواسته دست دولت را رو می کند. فرماندار ورزقان به خبرگزاری ایرنا گفته است: "۱۲ روستای این شهرستان بر اثر زمین لرزه های روز گذشته به طور کامل تخریب شده اند. هر یک از این روستاها حدود ۹۰۰ تا هزار نفر جمعیت داشتند که کمتر از ۴۰ درصد آنها جان خود را از دست داده اند."

هم میهنان گرامی!

از سویی دولت مرکزی اعلام کرده است: کار کمک رسانی نجات جان قربانیان به پایان رسیده و هنگام رسیدگی به وضعیت مجروحین و خاکسپاری کشته شدگان است. از سوی دیگر شاهدان حاضر در منطقه زلزله زده و ناظران بی طرف ادعای دولت را غیر واقعی می دانند. زیرا جان صدها نفر که احتمالاً هنوز زیر آوارها مانده اند و مجروحینی که در راهروهای بیمارستان به امان خدا رها شده اند و هزاران زن و کودکی که در کوچه و خیابان های شهرها و روستا ها گرسنه و بدون هیچ سرپناهی آواره هستند. نگرانی عمیق مردم را در پی دارد. این وظیفه تک تک مردم است که با افشاگری ابعاد فاجعه دولت و مسئولین مربوطه را وادار به قبول واقعیت و مسئولیتی که بدوش دارند، نمایند.

در همین رابطه فرقه دمکرات آذربایجان ضمن آن که یک بار دیگر این فاجعه بزرگ را به همه مردم داغدار ایران، بخصوص مردم آذربایجان و خانواده های قربانیان زلزله تسلیت می گوید، از همه انسان های بشر دوست بویژه دوستان و یاران فرقه می خواهد تا با تمام امکانات به کمک و یاری زلزله زدگان اقدام و افکار عمومی را برای این منظور بسیج کنند.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

۲۲ مرداد ۱۳۹۱

پیش شرط استقرار دمکراسی واقعی در ایران احقاق حقوق ملل و اقوام تشکیل دهنده کشور می باشد

تغییر ساختار نظام یا تسلیم به اراده توده ها

این سخن ها اشاره به حوادثی است که در جنگ صفین میان علی با معاویه رخ داد و طی آن در آستانه فتح خیمه معاویه، فشار برخی از یاران علی وی را مجبور به سازش با معاویه کرد. شبیه سازی علی سعیدی اشاره به کسانی است که می کوشند رهبر جمهوری اسلامی را به اتخاذ موضعی ملایم تر وادارند و یا باصطلاح جام زهر شکست سیاست هایش را به خوردش بدهند. در همین حال سخنانی که آقای خامنه ای در روزهای اخیر، بمناسبت های مختلف برزبان آورده است بیشتر در همدلی با کسانی است که در دقیقه ۹۰ پسر می برند. ایشان در بیان و توضیح سیاست های استراتژیک رژیم در شرایط کنونی با طرح دوباره اقتصاد مقاومتی، احتمال بهبود روابط با دنیا را به زمانی نامعلوم حواله کرده است. گفته می شود بیانات تند و تیز رهبر جمهوری اسلامی که هیچ تناسبی با واقعیت های جاری ندارد، نوعی جوسازی است برای توجیه پذیر کردن تسلیم. نامه چهار عضو پیشین کابینه احمدی نژاد به رهبر و تقاضای سلب اختیارات اجرایی از رئیس جمهور نشان میدهد که دیگر جایی برای هل من مبارز طلبیدن باقی نمانده است. و خود تاکید روشنی است بر آغاز روند فروپاشی همه جانبه رژیم. شاید شکستن کاسه و کوزه بر سر احمدی نژاد، راه گریزی برای رهبر باشد. هم چنین در برخی محافل سیاسی اظهارات اخیر ولی فقیه پس از ناکامی مذاکرات پنهانی نمایندگانش با آمریکایی ها، شاخ و شانه کشیدن برای باز گرداندن رقیب بر سر میز مذاکره ارزیابی شده است.

صرف نظر از اینکه گفتار و کردار رهبری چقدر بر پایه ملاحظات پیش گفته باشد، تحولات سیاسی در جریان، بیش از پیش به چگونگی تناسب قوا وابسته شده است. بعبارت دیگر سران حاکم در رفتار خویش نسبت به مردم و چاره جویی هایشان برای خروج از بن بست موجود، قیل از هر چیز حفظ موقعیت برتر در قدرت را مد نظر دارند. شاهد این مدعا علنی شدن دیگر باره بحث هایی است که از چند سال پیش در نهانخانه رژیم جریان داشته است.

در اوایل مرداد، درست در حیص و بیص مذاکرات هسته ای، تحریم ها، گرانی، بیکاری و درگیری های درون حکومتی، جمعی از نمایندگان مجلس برای بررسی تغییر نظام ریاستی به پارلمانی فرآکسیون تشکیل دادند.

پیش از این در مهر ماه سال ۹۰، خامنه ای در کرمانشاه، تغییر ساختار نظام را محتمل اعلام کرده بود. ایشان در توضیح این مهم در جایی دیگر گفته است: در این دوران حساس شکل گیری نظام های نو در منطقه، اوضاع کلی نظام جمهوری اسلامی یکی از عوامل تاثیر گذاری است که می تواند در حال و آینده منطقه نقش مهمی ایفا کند و بنا بر این باز خوانی و تامل در شاکله کلی نظام اسلامی اهمیت مضاعفی یافته است.

البته آنچه آقای خامنه ای باز خوانی و تامل در شاکله کلی نظام می نامد، در واقع باز گویی و شرح چند باره ماجرای است که پیشینه اش به اندازه عمر جمهوری اسلامی است.

هنوز قانون اساسی در مجلس خیرگان در دست بررسی و تدوین بود که حسن آیت به نمایندگی از مظفر بقایی خواهان «سلطنت» ولایت فقیهی شد. بعد از آن موقوفه ایها و حجتیه ایها به موازات محکم کردن جای پای خود در حاکمیت بارها خواهان جایگزین کردن حکومت اسلامی بجای جمهوری

اسلامی شدند. ولی فقیهیی که در تمام این سالها با مخالفان جمهوریت نظام همراهی کرده است، دور از انتظار نیست که این بار با نیروهای نظامی - امنیتی گوش بفرمان خود، خواست دیرینه ارتجاع، مبنی بر حذف قطعی نقش مردم در سرنوشت خویش را به سرانجام نهایی برساند. اهمیت این مسئله برای بورژوازی دلال - امنیتی در رویارویی های سیاسی میان حاکمیت و مردم تا جایی است که از آن بعنوان مهمترین پروژه سیاسی در زمان خامنه ای نام برده می شود. اینکه حتی دریافت های جمهوری خواهی نخبه گرایانه هاشمی رفسنجانی نیز تحمل نمی شود به این دلیل است که حکومتگران کنونی به شکل دیگری غیر از انحصار قدرت و سرکوب نمی توانند موجودیت داشته باشند.

تلاشهای آقای خامنه ای، بیت رهبری و روحانیون و سپاهیان منسوب آنها، برای باز گرداندن شکلی از سلطنت به ساختار سیاسی کشور هنوز به معنای تنها تبدیل گذار از اوضاع بهم ریخته کنونی به وضعیتی دیگر نیست. جنبش های واقعا موجود در کشور، نیروها، سازمانها و احزابی که مواضع و مشی خود بر مبنای واقعیت های عینی و ضرورت ها تنظیم می کنند، دارای آنچنان ظرفیت بالقوه ای هستند که می توانند باطل السحر هر طرفد و تبدیل هر نقشه و پروژه سیاسی ضد ملی و ضد مردمی باشد.

به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت



از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نارضایتی مردم از ظلم و ستم حاکمان استبدادی و اطرافیان آنها هر روز بیشتر می شد. وخامت اوضاع اقتصادی، اجتماعی و آشنایی تدریجی مردم با تغییرات و تحولات جهانی بخصوص اوج گیری جنبش سوسیال دمکراسی در روسیه، اندیشه تغییر حکومت استبدادی را تقویت می کرد. تاسیس مدرسه دارالفنون و روشنفکرانی که خارج از کشور با دنیای مدرن آشنایی پیدا کرده بودند، در رشد چنین اندیشه ای نقش بسزایی داشتند. آثار و نوشته های میرزا فتحعلی آخوند زاده، عبدالرحیم طالبوف، حاج زین العابدین مراغه ای، میرزا

به مناسبت سالگرد ...

ملکم خان، میرزا آقا خان کرمانی و... نشریاتی مانند حبل المتین، چهره نما و حکمت و کمی بعد ملا نصرالدین (همه خارج از کشور منتشر می شدند) در گسترش و رشد آزادی خواهی و ضد استبدادی نقش قابل توجهی داشتند.

هر چند حرکت اعتراضی و حتی شورش ها نسبت به وضع موجود از مدت ها قبل در اغلب نقاط کشور رخ میداد، معمولاً شروع جنبش مشروطه را از گران شدن قند در تهران میدانند. علاء الدوله حاکم تهران، با تایید عین الدوله صدر اعظم 17 نفر از بازرگانان و دو نفر سید را به جرم گران کردن قند جلوی چشم مردم به چوب بست. همین حرکت، موجب خشم و اعتراض روشنفکران، بازاریان و گروهی از روحانیان شد. از آن پس در مجالس و مساجد سخنرانان علیه استبداد و دفاع از حاکمیت مشروطه و تشکیل عدالتخانه و دیوان مظالم داد سخن دادند. سخنرانان خواهان بر کناری عین الدوله صدر اعظم و بیرون راندن مسیو نوز بلژیکی و حاکم تهران شدند. بدین ترتیب اعتصاب تهران را فرا گرفت. گروه های اجتماعی مردم از جمله عده ای از روحانیون در شاه عبدالعظیم تحصن کردند. مظفر الدین شاه که اوضاع را نا بسامان میدید قول برکناری صدر اعظم و تشکیل عدالت خانه را داد. اما به قول خود عمل نکرد. ولی با رشد جنبش اعتراضی مردم و گسترش آن به دیگر شهر ها، عین الدوله استعفا داد و میرزا نصرالله خان مشیر الدوله جا نشین آن شد. مظفر الدین شاه مجبور گردید به خواست مردم تن در دهد و فرمان مشروطیت را در 14 مرداد 1285 امضاء کند. اعتصابات و اعتراضات جایش را به جشن و سرور مردم داد.

بدین ترتیب مجلس اول در 14 مهر 1285 با حضور نمایندگان مردم گشایش یافت. نمایندگان با جدیت هرچه تمامتر به تدوین قانون اساسی مشروطه همت گماردند. مظفرالدین شاه در آخرین روزهای عمرش قانون اساسی مصوب مجلس را امضاء کرد.

بر اساس قانون اساسی جدید، مجلس وظایف زیر را عهده دار بود:

- تصویب لوایح بودجه کشور و نظارت بر اجرای آن
- تصویب قرارداد انتقال یا فروش منابع زیر زمینی و تصویب قراردادهای صنعتی و کشاورزی
- تصویب قراردادها و عهدنامه ها با دول خارجی
- تصویب لوایح تغییر مرزهای کشور
- تصویب قوانین تشکیل کمپانی های ملی
- تصویب قراردادهای دولتی
- تصویب اعتبار و وام های دولتی
- تصویب قرارداد ساختن جاده ها و راه آهن

پس از مرگ مظفر الدین شاه، ولیعهد او محمد علی میرزا به تخت شاهی نشست. شاه جدید از همان آغاز به مخالفت با مشروطه و مجلس بر آمده از آن پرداخت. تا آنجاکه در مراسم تاجگذاری از نمایندگان مجلس دعوت به عمل نیاورد.

در حالیکه نمایندگان مجلس با شور و شوق در جهت سر و سامان دادن به اوضاع کشور می کوشیدند، دول خارجی که وضع موجود را به زیان خود می دیدند. شاه تازه را در دشمنی با مجلس و مشروطه هر چه بیشتر تشویق می کردند. این عداوت تا جایی پیش رفت که محمد علی شاه، مشیرالدوله

را از صدارت خلع کرد و امین السطان (اتابک اعظم) را که سالها صدر اعظم دوره استبداد بود از اروپا فرا خواند و به کرسی صدارت نشاند. محمد علی شاه حاضر نبود قانون اساسی مشروطه را امضاء کند. پس از حرکات اعتراضی گسترده مردم به عملکرد شاه، بویژه اعتراضات شدید مردم تبریز ناچار شد طی دستخطی، قول همکاری با مشروطه را بدهد. ولی علیرغم این شاه و صدر اعظم دست از توطئه و کار شکنی علیه مشروطه و مشروطه خواهان بر نداشتند. اتابک اعظم بوسیله عباس آقا تبریزی با ضرب گلوله کشته شد.

علیرغم تمامی توطئه ها از طرف دربار و مرتجعین جنبش مشروطه گام های بیشتر و موثری جهت احقاق حقوق ملت بر میداشت. نشریات و روزنامه ها به روشنگری می پرداختند. نشریه صور اسرافیل در این میان نقش بسزایی داشت. نمایندگان مجلس در صدد بر آمدند تا نقایص قانون اساسی مشروطه را که با عجله تصویب کرده بودند، بر طرف کنند. مجلس متممی بر قانون اساسی نوشت و تصویب کرد. در متمم قانون اساسی هرچه بیشتر از حقوق مردم دفاع شده بود و وظایف قوای مجریه، مقننه و قضایی تفکیک گردیده بود. طبق قانون اساسی مشروطه شاه مجبور شد به مجلس برود و سوگند وفاداری به قانون اساسی بخورد. کاری که هرگز خوشایند او و نیروهای مستبد و مرتجع نبود.

چند روزی نگذشته بود که نیروهای مرتجع و طرفداران استبداد با همراهی شیخ فضل الله نوری عده ای را علیه مجلس شوراندند، علیه نمایندگان و طرفداران مشروطه، جلو مجلس به درگیری و زد و خورد پرداختند. بمبی را در کالسکه محمد علی شاه انداختند. این بمب را نسبت دادند به یاران حیدر عمو اوغلی از مبارزان بنام مشروطه. شاه با این بهانه واهی به باغ شاه رفت و بریگاد قزاق را برای مقابله با مشروطه و مجلس سازماندهی کرد.

کلنل لیاخوف فرمانده بریگاد قزاق با نیروهایش مجلس را به محاصره در آورد. در دوم تیر 1287 مجلس و مدرسه سپهسالار را به توپ بست. عده زیادی از طرفداران مشروطه به خاک و خون کشیده شدند. توسط محمدعلی شاه حکومت نظامی برقرار و کلنل لیاخوف به فرماندهی حکومت نظامی منصوب شد. لیاخوف بلافاصله به تعقیب نمایندگان و آزادیخواهان پرداخت. ملک المتکلمین، میرزا جهانگیر خان و قاضی ارداقی را در باغ شاه پس از شکنجه در برابر شاه کشت.

پس از حمله به مجلس و دستگیری و اعدام بسیاری از مشروطه خواهان و آزادیخواهان، حاکمیت استبدادی قدرت را بدست گرفت. این دوره به استبداد صغیر مشهور شد.

توپ بستن مجلس و کشتار آزادیخواهان در سراسر کشور اعتراضات مردم را برانگیخت. در تبریز مردم به دفاع از مشروطه به پا خاستند. حیدر عموغلی، علی موسیو، ستارخان و باقر خان در تبریز به بسیج و سازماندهی نیروی مسلح (مجاهدین مشروطه) برای مقابله با نیروهای دولتی مبادرت کردند. گروهی از مردم قفقاز به مردم تبریز پیوستند. این گروه به مجاهدین قفقاز معروف شدند. نیروهای دولتی قادر به مقاومت در مقابل طرفداران مشروطه نبودند. محمد علی شاه از نیکلای دوم تزار روسیه تقاضای کمک کرد. تبریز به محاصره نیروهای روس و دولتی در آمد. روس و انگلیس رسماً دست به مداخله مسلحانه زدند و نیرو

انقلاب مشروطیت اگرچه با تشکیل مجلس و تصویب قوانین، ضربه سنگینی بر پیکر استبداد وارد آورد. اما به دلیل بافت عقب مانده کشور و نفوذ زمینداران داخلی و دخالت های دول بیگانه نتوانست به اهداف نهایی نائل شود.

دولت مستوفی الممالک در مرداد ۱۲۸۹ با کمک نیروهای بختیاری و پیرم خان (یکی از افراد حزب دانشناک) که ریاست پلیس را در اختیار داشت، آخرین دسته های فدائیان راخلع سلاح کرد و از رئیس جمهور آمریکا خواست که فردی را برای باز سازی وضعیت مالی ایران بفرستد. مورگان شوستر که مرد کارکشته ای بود، در اردیبهشت ۱۲۹۰ با هئیتی وارد ایران شد و با اختیارات ویژه مشغول بکار شد.

روسیه تزاری و امپریالیسم انگلیس که ایران را عملاً بین خود تقسیم کرده بودند، حضور مستشاران مالی آمریکا را مغایر منافع خود می دیدند، تلاش کردند که تشکیلات شوستر را بیرون کنند. روس ها محمد علی شاه را وارد ایران کردند و با گروهی از ترکمنان به تهران یورش بردند. اما با مقاومت مردم روبرو شد، نیروهای محمد علی شاه درهم شکست و باز به روسیه گریخت. پس از این پیروزی توسط مردم، انگلیس واحد های هندی را برای گرفتن بخش های مهم جنوبی ایران در بندر بوشهر پیاده کرد و روسیه نیز به بهانه حمایت از املاک شعاع السلطنه، سپاهیان دیگری وارد ایران کرد و تا قزوین پیش آمد.

روسیه با تائید انگلیس در هفتم آذر ۱۲۹۰ به دولت ایران اولتیماتوم داد، که مورگان شوستر و تیم همراهش باید هرچه زودتر ایران را ترک کنند و دولت ایران متعهد شود که در آینده برای بکار گیری مستشار خارجی، قبلاً رضایت دولت های روسیه و انگلیس را جلب کند و همچنین هزینه سنگین قشون روسیه را عهده دار شود. دولت انگلستان از وثوق الدوله وزیر خارجه خواست که فوراً خواسته های دولت روسیه را بپذیرد. مجلس با اکثریت بالایی اولتیماتوم دول خارجی را رد کرد. آزادیخواهان تبریز و گیلان به مقابله با تجاوزگران روس بر خاستند. روس ها با وارد کردن نیروهای بیشتری در تبریز، رشت، مشهد و شهرهای دیگر کشت و کشتار راه انداختند. سرانجام دولت مرکزی اولتیماتوم روس و انگلیس را پذیرفت و مجلس را بست. با اعلام حکومت نظامی احزاب و سازمان های ملی را غیر قانونی و هر گونه فریاد اعتراض را در گلو خفه کرد.

دهم دیماه ۱۲۹۰ روس ها عده ای از بزرگان و آزادیخواهان تبریز، از جمله ثقه الاسلام را به دار زدند. کشتار در تبریز ماه ها ادامه داشت. روس ها صمد خان شجاع الدوله حاکم مراغه را به حکمرانی آذربایجان انتخاب کردند. او از هیچگونه بی رحمی و شقاوت علیه مردم آذربایجان فرو گذاری نکرد. بدین ترتیب مشروطه خواهان واقعی به خاک و خون غلطیدند و انسان های شریف و آزادیخواهی که خواهان حاکمیت قانون بودند، سر از زندان ها در آوردند و یا از ترس دژخیمان در گوشه ای خود را پنهان کردند. به جای آنها افرادی وطن فروش، فرصت طلب و جاسوسان کهنه کار بیگانه در مستر کار آمدند.

پس از بستن مجلس و کشتار مردم بی گناه و آزادیخواهان میهن پرست، دخالت بیگانگان در امور داخلی

به ایران آوردند. انگلیسیها در جنوب کشور، با اشغال بوشهر، بندر عباس، بندر لنگه و دیگر بنادر عملاً قدرت را در دست گرفتند. انجمن بختیاری و بوشهر را منحل و عده زیادی از اعضای آن را دستگیر کردند. در آذربایجان بدنیاال بسته شدن راه تبریز - جلفا و محاصره کامل شهر، گرسنگی و قحطی بر مردم تحمیل شد. کار بر آزادیخواهان دشوار شد. در اردیبهشت سال ۱۲۲۸ قوای روسیه با موافقت انگلیس به بهانه شکستن خط محاصره و حمایت از اتباع بیگانه وارد تبریز شد. انجمن تبریز ناچار دست از مقاومت کشید.

همزمان با جنبش مجاهدین تبریز در اقصی نقاط ایران جنبش ضد استبدادی و مشروطه خواهی به شکل سازمان یافته به میدان آمده بود. در روز ۱۹ بهمن ۱۲۸۷ کمیته ستار گیلان با کمک محمد ولی خان تنکابنی که تازه از تبریز برگشته بود به مبارزه با حاکم رشت آقا بالاخان پرداختند. در این مبارزه حاکم رشت کشته شد و شهر به تصرف آزادیخواهان در آمد. دیری نکشید که تمام گیلان آزادی خود را جشن گرفتند. مبارزین گیلانی طی پیامی به سفرای دیگر کشور ها اعلام کردند: ماهیچ نزاعی با شاه نداریم، فقط در صدد احیای مشروطه هستیم.

پیروزی آزادیخواهان گیلان باعث دلگرمی همه آزادیخواهان کشور شد. ستارخان و باقرخان پیام مهیجی به مبارزان گیلانی فرستادند و پیروزی آنها را تبریک گفتند. شاه قشونی به فرماندهی رشید الملک برای سرکوب مجاهدین گیلان فرستاد. نیروهای دولتی در کنار دریا با مجاهدین رشت در گیر و شکست خوردند و مجبور به عقب نشینی تا قزوین شدند.

از سوی دیگر شهر اصفهان به تصرف مشروطه خواهان بختیاری در آمد. تعدادی از آزادیخواهان تهرانی با سر دار اسعد در اصفهان دیدار کردند و اعلام کردند، که اکثریت قاطع مردم تهران طرفدار مشروطه هستند.

در تهران مبارزان و آزادیخواهان برای احیای مشروطه از پای ننشسته بودند. مبارزه و روشننگری ادامه داشت. تا اینکه با هماهنگی قبلی، نیروهای شمال به فرماندهی سپهدار اعظم که انقلابیون قفقاز نیز در صفوف آنها بودند و نیروهای بختیاری به فرماندهی علی قلی خان سردار اسعد، در ۲۴ کیلومتری تهران به هم ملحق شدند.

نیروهای مجاهد گیلانی و بختیاری ۲۸ تیر ماه ۱۲۸۸ وارد تهران شدند. شاه و اطرافیانش به سفارت روسیه پناه بردند. انقلابیون مجلس عالی تشکیل دادند و محمد علی شاه را از سلطنت خلع کردند و احمد میرزا را به جای او به تخت نشانند. علیرضا خان عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت گزیده شد و بار دیگر مجلس شورای ملی تشکیل شد. بدین ترتیب دوران استبداد صغیر به پایان رسید و انقلاب مشروطیت پیروز شد.

مجلس دوم در تاریخ ۲۵ آبان ۱۲۸۸ قریب یک سال پس از به خاک و خون کشیدن مجلس اول با حضور شاه جوان گشایش یافت. مجلس هر چند در ظاهر نگرانی خود را از حضور نیروهای خارجی، مخصوصاً سپاهیان روس اعلام کرد. اما به دلیل اینکه بیشتر نمایندگان حاضر در مجلس، اشراف زادگان و خوانین بودند، مجلس در سراسر دوره خود هیچ کار جدی از پیش نبرد.

به مناسبت سالگرد ...

ایران به اوج خود رسید. روس ها امتیاز راه آهن تبریز - جلفا و انگلیسی ها امتیاز راه آهن خرمشهر - خرم آباد را از آن خود کردند و دولت ایران را وادار کردند تا قرار داد ۱۹۰۷ را اجرا کند. روس ها در قزوین و تبریز از مردم مالیات می گرفتند و مانع رفتن نمایندگان تبریز به تهران می شدند. انگلیسی ها به بهانه وام ناچیزی که به ایران داده بودند، گمرک بوشهر را در اختیار گرفتند. ناصر الملک نایب السلطنه به اروپا گریخت، احمد شاه آخرین باز مانده از دودمان قاجار در سال ۱۲۹۳ تاجگذاری کرد. چندماه بعد جنگ جهانی اول که از مدت ها قبل زمینه چینی شده بود، آغاز شد. روسیه در جنگ شکست خورد. نیروهای انقلابی بلشویک به رهبری لنین نظام پوسیده تزاری را سرنگون کردند. حکومت انقلابی در روسیه قرار داد استعماری ۱۹۰۷ را که ایران را پارچه - پارچه کرده بود، یک طرفه لغو کرد. ایرانی ها به پیروزی رسیدن نیروهای انقلابی پیروزی مردم در روسیه را به فال نیک گرفتند. و پایکوبی کردند.

هفت سال تلاش آزادیخواهان هر چند با نشیب و فراز هایی همراه بود، و گر چه نتوانست به تمام اهداف خود نایل آید، اما سکوی پرشی بود برای نسل های بعدی. خاندان قاجار منقرض شد. خانواده پهلوی که با پشتیبانی امپریالیست های انگلیس و آمریکا در ایران سر کار آمد و با خون ریزی و کودتا ادامه حیات داد، با انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ از بین رفت. برای اولین بار نظام جمهوری جایگزین حاکمیت های پادشاهی را گرفت. انقلاب بهمن که از حمایت و پشتیبانی اکثریت مطلق مردم برخوردار بود، سه هدف استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی را برای پیشرفت و شکوفایی کشور مورد توجه قرار داده بود. بی شک اهداف انقلاب بهمن، خواست و آرمانهای انقلاب مشروطه بود که جامعه عمل نپوشیده بود. با اجرایی شدن اهداف انقلاب بهمن، میهن ما می توانست با گام هایی بزرگ به سمت پیشرفت و ترقی بر دارد و عقب ماندگی دیرپایی که مانند اختاپوس ارکان جامعه ما را در چنگال خود نگهداشته بود، نا بود کند. اما متأسفانه به دلایلی در وسط راه باز ماند. اما این به آن معنی نیست که کار پایان یافته است. همانطور که آرمانهای انقلاب مشروطیت با شکست آن به فراموشی سپرده نشد. و نبرد بین آزادی و استبداد، فقر و ثروت و کهنه و نو ادامه پیدا کرد. شکی نیست که مبارزات مردم برای رسیدن به استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت. زیرا انقلاب مشروطیت و جنبش های اجتماعی و انقلابی پس از آن، این را به ما آموخته است.

کودتای ۲۸ مرداد و آثار مخرب آن

تأثیر مخرب کودتای ۲۸ مرداد بر روند دمکراسی و پیشرفت کشور برکسی پوشیده نیست. در این باره صدها کتاب و مقاله به رشته تحریر در آمده است. و هنوز هم محققان و اندیشمندان می کوشند تا نکات دیگری از تأثیرات منفی آن بر روند زندگی مردم را مورد بحث و بررسی قرار دهند. البته در این میان افراد و جریاناتی هستند که کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را مثبت ارزیابی می کنند. روشن است که این جریانات با ملی شدن نفت و محدود شدن اختیارات شاه، منافع خود را در خطر می دیدند. اثرات شوم کودتای ۲۸ مرداد نه تنها کشور ما را از پیشرفت و ترقی باز داشت، بلکه تأثیر زیان باری در منطقه نفت خیز خاورمیانه بر جا گذاشت که تا امروز ادامه دارد.

یکی از نقاط قابل تأمل کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ باز گشت سیطره بیگانگان بر سرنوشت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی کشور ما بود. با توجه به فضای نسبتاً دمکراتیکی که پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمده بود، می رفت تا مبارزات سالهای طولانی میهن پرستان چپ و نیروهای ملی را که با حمایت بی دریغ زحمتکشانش نیز همراه بود به سرانجامی خوش برساند تا خلفهای ایران به دور از هر وابستگی به بیگانگان سرنوشت کشور را خود در دست گیرند. اما جبهه ای از تمام کشورهای سرمایه داری و ارتجاع داخلی که در راس آنها آمریکا و بریتانیا قرار داشت، تمام هم خود را بکار بردند تا امکان چنین موقعیتی به مردم ایران ندهند. دلایل چنین جنایتی در حق مردم ایران، بدون بررسی تاریخی نقش و منافع بیگانگان میسر نخواهد بود.

در سال ۱۹۰۱ میلادی، حدود صد و یازده سال پیش، قرار داد داری در دوره مظفرالدین شاه با "ناکس داری" انگلیسی بسته شد. از آن روز به بعد نفت به عنوان پدیده اقتصادی بزرگ، نقش مهمی در تحولات آتی ایران بازی کرد. این وضع همچنان ادامه داشت تا کودتای ۱۲۹۹ که رضاخان به قدرت رسید. در این مقطع تاریخی دولت انگلیس به این موضوع اندیشید که اگر رضاخان قادر نشود جلوی خواستهای دیرین مردم بایستد و ملت ایران در پی استیفای حقوق خود برآیند، منافع انگلیس استعماری در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت، در نتیجه درصد برآمدند تا، قرار داد دیگری در تکمیل قرار داد "داری" به دولت ایران تحمیل کنند. این قرارداد در سال ۱۳۱۲ منعقد و به قرارداد الحاقی ۱۹۳۳ معروف شد. با دستور رضاشاه، از فردای انعقاد این قرار داد؛ نه مجلس، و نه مطبوعات حق نداشتند که راجع به آن سخنی به میان آورند. این اختناق تا شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت. با شکست فاشیسم و پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم، رضا خان مجبور به ترک ایران شد. فضای نسبتاً دمکراتیکی در کشور ایجاد گردید. احزاب و سازمانهای مترقی و مردمی امکان فعالیت یافتند. گروههای اجتماعی با شرکت در سازمانهای سیاسی و سندیکایی اقدام به بیان خواسته های خود نمودند. کارگران و دهقانان با تشکیل سندیکاها موفق به اخذ بخشی از خواسته های خود از جمله تصویب قانون کار شدند. مردم برای نمایندگان واقعی خود به پای صندوق های رای رفتند و به افراد مورد اعتماد خود رای دادند. اقوام و ملت های ساکن کشور برای تحقق خواسته های برحق خود به پا خاستند. در آذربایجان و کردستان مبارزات مردم منجر به تشکیل حکومت های خود مختار گردید. و از همه با اهمیت تر حضور یک پارچه مردم برای ملی شدن نفت و کوتاه کردن دست انگلیس از سرنوشت کشور به نتیجه رسید. با تشکیل دولت دکتر مصدق و اعلام ملی شدن نفت، قرارداد الحاقی رسماً از اعتبار ساقط شد.

کودتای ۲۸....

امریکا که تا این زمان توانسته بود با حضور غیرمستقیم، از جنگ های اول و دوم جهانی دور بماند. آرام آرام می رفت تا قدرت برتر جهان سرمایه داری شود. به همین دلیل در منطقه خاورمیانه و آسیا، خواهان سهمی از منافع این کشورها گردید. ابتدا از ملی شدن نفت در ایران رسماً استقبال کرد. تا انگلیس این رقیب سرسخت خود را که دیگر توان گذشته را نداشت از میدان خارج کند. ایران که در میان دیگر کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس از موقعیت ویژه ای از نظر استراتژیک و ژئوپولیتیک برخوردار بود، میدان خوبی برای این زورآزمایی بود. انگلستان در ابتدا قصد نداشت آمریکا را به عنوان شریک منافع استعماری خود ببیند. این امر زمانی روی داد که جنبش های ضد استعماری هرچه بیشتر اوج می گرفتند و دولت انگلیس از مقابله با آن عاجز بود. همین امر باعث شد تا انگلیس رسماً از آمریکا بخواهد در سرکوب مبارزات ضد استعماری مردم منطقه و از آن جمله ایران دخالت کند. از آن پس آمریکا و انگلیس با تمام قوا و با بهترین و مهمترین تاکتیکها به مقابله با جنبش های ضد استعماری مبادرت کردند.

از مهمترین اقداماتی که برای سرکوب جنبش مردم ایران در دستور روز امپریالیسم آمریکا و انگلستان قرار گرفت، تحریم اقتصادی بود. تحریم های اقتصادی بتدریج مشکلات معیشتی مردم را زیاد و نارضایتی ها را بیشتر می کرد. این همان ابزاری بود که سرویس های اطلاعاتی غرب می توانستند بر راحتی در میان مردم نفوذ و به نارضایتی ها دامن بزنند. از دیگر ابزارهای روانی که بکار گرفتند، تفرقه بین نخبگان سیاسی و جریانهایی بود که همبستگی آنها باعث ملی شدن نفت شده بود.

۵۹ سال از کودتای ۲۸ مردادی گذرد. در این سالها تحلیل های متفاوت و گاه متضادی از علل و چرایی آن داده شده است. اما در چند سال اخیر اسنادی مربوط به این کودتا توسط سازمان "سیا" منتشر شده است که خود بروشنی پرده از جنایتی که بحق مردم ایران شده است، بر میدارد. در این اسناد می خوانیم که کودتا ۲۸ مرداد، طی عملیاتی به نام «آژاکس (چکمه) به وقوع پیوست و طراح اصلی عملیات نیز «جرج کندی یانگ» (۱۹۹۰-۱۹۱۱) بود. «نیجل وست» (مورخ نیمه رسمی سرویس اطلاعاتی بریتانیا) نخستین کسی است که بطور مشروح درباره نقش یانگ در کودتای ۲۸ مرداد سخن گفته است. وست در کتاب «جاسوس فحایر» که در سال ۱۹۹۲ در لندن منتشر شد می نویسد در سال ۱۹۵۱ یانگ طرحی را به دولت بریتانیا ارائه کرد که با نام «رمز عملیات باکانیر» شناخته می شود. این طرح پیش درآمد طرح کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. باکانیر به معنی دزد دریایی است. و این نامی است که مقامات سرویس اطلاعاتی بریتانیا به دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران داده بودند. عملیات باکانیر طرحی بود برای باز پس گیری اموال ملی شده شرکت نفت انگلیس و ایران، دولت کلمنت این طرح را رد کرد، اما در اواخر این سال حزب محافظه کار به رهبری «وینستون چرچیل» زمام قدرت را به دست گرفت و بدین ترتیب اوضاع به سود یانگ دگرگون شد. و سرجان سینگر رئیس جدید MI6 را به عنوان قائم مقام خود منصوب کرد.

طرح مردود شده عملیات باکانیر با نام جدید عملیات چکمه به تصویب رسید و با همکاری سیا به مرحله عمل درآمد. آلن دالس رئیس سازمان سیا در مورد کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ می گوید: «در مارس ۱۹۵۳، وزیر امور خارجه به من اطلاع داد حکومت وقت ایران منافع ایالات متحده را تأمین نمی کند و در پی آن، با همکاری انگلیس و با اجرای عملیات مخفی طرح آژاکس را برنامه ریزی کردیم. تجدید اعتبار و قدرت شاه، هدف اصلی این قرار داد بود. هدف دیگر این طرح نیز، ایجاد قدرت جدیدی بود که از به قدرت رسیدن حزب کمونیسم (منظور حزب توده ایران است که انگلیسی ها برای ترساندن دولت آمریکا از قدرت گرفتن و نفوذ آن در میان توده ها، به شیوه ابزاری استفاده کرده بودند) جلوگیری کند». «هندرسون» سفیر سابق آمریکا در ایران در مورد طرح عملیات آژاکس چنین گفته است: «طرح نهایی عملیات در ایران به نمایندگی از سازمان سیا و اینتلیجنت سرویس تصویب شده بود در روز ۱۹ ژوئن، برای تصویب نهایی در اختیار وزارت امور خارجه انگلیس قرار گرفت. در اواسط سال ۱۹۵۳ آمریکا و انگلیس طرح آژاکس را صادر کردند و فرماندهی عملیات به عهده «کرومیت روزولت» رئیس بخش خاور نزدیک در سازمان سیا واگذار شد. سازمان سیا فرماندهی عملیات را به عهده کرومیت روزولت گذاشت. وی، خود در این باره می گوید: «زاهدی عضو سابق کابینه مصدق بهترین جانشین برای مقام نخست وزیری بود. بنابراین با نزدیکی در باکسوت نظامی او را در جریان عملیات و هدف نهایی؛ یعنی انتصاب او در مقام نخست وزیری ایران قرار دادیم. همچنین آماده کردن شخص شاه، هدف دیگر این عملیات بود؛ چرا که آمادگی وی تضمین کننده کمک های لازم از پادگان های نظامی و به رسمیت شناختن نخست وزیر جدید بود. اما از آنجا که شاه شخصی متزلزلی بود، برای آمادگی او از شیوه های گوناگونی استفاده کردیم».

در این هنگام سازمان سیا «دونالد ویلبر» را به عنوان مشاور مخفی طرح انتخاب می کند. طبق ویلبر میگوید: «شاهدخت اشرف پهلوی را از اروپا روانه ایران کردیم تا شاه را آماده سازد و به وی تفهیم کند که آمریکا و انگلیس چه خواسته هایی دارند و همچنین، برای سفر ژنرال شوارتسکف و فرمانده سابق نظامیان در ایران، به این کشور ترتیبات لازم داده شود. وظیفه شوارتسکف در ایران، شرح مراحل پیشنهادی، گرفتن فرمانهای امضاء شده برای برکناری مصدق، و نیز انتصاب زاهدی به نخست وزیری و فراخواندن ارتش به وفاداری نظام سلطنتی بود».

روزولت پس از سفر شوارتسکف به ایران می گوید: «قرار شد چنانچه تلاشهای اشرف و شوارتسکف به نتیجه نرسد، من به نمایندگی از سوی رئیس جمهور آمریکا با شاه ملاقات کنم. تا او را مجبور به امضای فرمانهایی نمایم که تعیین شده، این فرمانها در اختیار زاهدی قرار گیرد و در روز موعود شاه باید به مکانی خارج از تهران برود تا زاهدی با در اختیار داشتن فرمانهای سلطنتی و پشتیبانی ارتش، حکومت را تحت کنترل خویش در بیاورد».

در پی مدت زمانی که برای امضای فرمانها در اختیار شاه گذاشته شد، امریکایی ها هم آماده بودند تا فرای آن روز،

کودتای ۲۸....

عملیات را آغاز کنند. ژنرال «مک کلور» رئیس مستشاران نظامی آمریکا در ایران، در این باره چنین گفته است: «پس از فشارهای تعیین کننده اشرف و شوارتسکف و ملاقات روزولت با محمد رضا شاه در پانزدهم اوت سال ۱۹۵۳، فرمانها امضاء شد، و روز ۱۶ اوت، به عنوان روز عملیات اعلام گردید.

تا این مقطع، مقدمات کار برای انجام عملیات فراهم شده بود. اما؛ چگونه این مقدمات فراهم شد؟؛ جواب این سوال را از میان گفته های «وودهاوس دریس» جاسوس بریتانیا در ایران آشکار می شود؛ وی می گوید: «در واقع کودتای ۲۸ مرداد طی سه مرحله متوالی صورت پذیرفت که یک مرحله، به عنوان مقدمات قبل از اجرای عملیات (ارسال کمکهای مقدماتی و جنگ تبلیغاتی) و دو مرحله دیگر نیز همانند عملیات نظامی انجام شد.

سازمان سیا «دونالد دیلبر» را اواخر آوریل ۱۹۵۳ به «نیکوزیا» پایتخت قبرس فرستاد تا با همکاری اینتلینجنت سرویس، برنامه ای برای مصدق تدوین کند. بحث و تبادل نظر میان ویلبر و «داربی شایر» مأمور اینتلینجنت سرویس از سیزدهم ماه مه آغاز شد. در جلسات اولیه، ویژگی شخصیت های مهم سیاسی ایران، با دقت مورد بررسی قرار گرفت و هر یک از طرفین، اطلاعات، امکانات و عواملی را که در دست داشتند در اختیار یکدیگر گذاشتند و انگلیسی ها، مجموعه ای از عوامل خود نظیر برادران رشیدیان، نیروهای مسلح، مجلس، گروهها، مطبوعات و تعدادی از چهره های سیاسی را به آمریکا معرفی کردند. در طی مذاکرات در نیکوزیا با انگلیسی ها درباره چند مورد اتفاق نظر کردیم. اول اینکه شاه باید وارد عملیات شود. دوم؛ در این مورد هندرسون مضمون مذاکرات خود با انگلیسی ها در نیکوزیا را چنین نقل می کند: «ما با انگلیسی ها در چند مورد اتفاق نظر داشتیم؛ زاهدی تنها برای اجرای عملیات مناسب است. سوم؛ عملیات حتی المقدور باید صورت قانونی به خود بگیرد. مورد چهارم؛ در طی اجرای عملیات باید افکار عمومی در آستانه شورش، تحریک شود و بالاخره مورد پنجم؛ عملیات باید با سرعت و بلافاصله از طریق حمله به دولت مصدق به شیوه عملیات خاکستری انجام شود.»

دولت انگلستان بسرعت تضمین های مربوطه را به دولت آمریکا داد و در تاریخ بیست و سوم ژوئیه، یادداشتی از سوی وزارت امور خارجه انگلستان، تقدیم وزارت امور خارجه آمریکا شد؛ هر چند پایگاه سیا در تهران، در انتظار رد تأیید طرح نهایی بود؛ اما برخی از اختیارات را که از قبل به آنها داده شده بود، در پایگاه تهران بر اساس مجوز کلی ماه آوریل انجام شود. این مجوز به آنها اختیار می داد تا یک میلیون دلار صرف فعالیت های مخفیانه نمایند.

در بیستم ماه مه، پایگاه تهران به طور مشخص اجازه یافت هفته ای یک میلیون ریال به قیمت ۹۰ ریال در مقابل هر دلار برای مجلس ایران هزینه کند. هندرسون در سوم ژوئن سال ۱۹۵۳ برای تبادل نظر و ارائه آخرین اطلاعات و اخبار عازم واشنگتن شد. در مذاکرات او با مقامات سیا مقرر شد تا با سفری طولانی به کشورهای اروپایی، بازگشت خود به تهران را به تعویق بیندازد. کارشناسان سیا

با استمرار در تأخیر، بازگشت هندرسون به تهران را عاملی مهم در جنگ روانی می دانستند، که قرار بود بر ضد مصدق اجرا شود؛ ضمن اینکه آنها، وجود هندرسون در تهران به هنگام کودتا را صلاح نمی دانستند. روزولت هم اواخر ژوئن سال ۱۹۵۳ در پیام مستقیم پایگاه تهران گفت که باید نقشها و فعالیت های افراد برایشان تفهیم شود و همچنین دواگروه به منظور زمینه سازی عملیات سازماندهی شد. گروه اول به ریاست «کارول» که اواسط ژوئن از نیکوزیا بازگشته بود، تشکیل شد. این گروه مأموریت داشت، ابعاد مختلف قسمتهای نظامی عملیات را پی گیری کند. و گروه دوم که به سرپرستی ویلبر تشکیل گردید؛ مسئولیت مراحل جنگ روانی طرح را بر عهده داشت. هدایت و رهبری کلی این گروه ها و تضمین و تنظیم روابط آنها با پایگاه عملیات توسط «ژان هنری دالر»؛ رئیس؛ شعبه چهار، بخش خاور نزدیک انجام می شد. «جرج ای کارول»؛ مسئول برنامه ریزی نظامی کودتا، برای بررسی و پی گیری بیشتر در اواسط ژوئیه برای انجام مأموریتی عازم تهران شد؛ البته، پیش از آن، سر راه به لندن رفت تا با همکاری و هماهنگی داربی شایر، تضمین بیشتری برای انجام عملیات در دست داشته باشد و سرانجام در روز ۲۱ ژوئیه وارد تهران شد.

ایالات متحده آمریکا نیز اوضاع ایران و جنگ روانی بر ضد دولت مصدق را توسط مطبوعات انعکاس دادند. هندرسون براساس طرحی که در عملیات بود، در اسرع وقت برای پیشرفت مرحله مقدماتی؛ در مرحله نخست، ۳۵ هزار دلار و نیز مبلغ ۲۵ هزار دلار از طرف اینتلینجنت سرویس به زاهدی پرداخت کرد. پس از پرداخت این مبلغ و تأمین مالی سران کلیدی ارتش توسط سیا، آنها باید وانمود می کردند که این کمکها از طرف شاه بوده است. [برآورد کل هزینه عملیات، ۲۵۸ هزار دلار بود که ۱۴۷ هزار دلار آن توسط آمریکا و ۳۵ هزار دلار از آن نیز به وسیله انگلیس تأمین شد]

در ژوئیه ۱۹۵۳ از پرسنل جنگ روانی، در خواست پشتیبانی شد. از سران خاور نزدیک نیز خواسته شده بود تا مقالاتی را برای چاپ در مطبوعات ارسال نمایند. موضع مهمتر در جنگ روانی این بود که پرسنل جنگ در تهران باید فاقد روابط باشند تا بی پایه بودن مطالب مشخص نگردد و از سویی مراقب باشند که در این مقالات تحلیلی روی ندهند. هندرسون در پی جنگ روانی و در کنار دیگر تلاشهایی که به منظور عملیات واهی برضد مصدق صورت می داد، توانست متنی را با بر ضد مصدق براساس ارتباط مصنوع در مجله «نیوزویک» به چاپ برساند.

گویران (رئیس پایگاه سیا در ایران) به این نکته اذعان کرد که در پایگاه طی ماهها و سالها کار در تهران و با صرف پول برای این عملیات، هنوز هم نداشتیم که نتایج با مبالغ مصرف شده متناسب خواهد بود یا خیر. هر چند که در ژولای و اوت سال ۱۹۵۳ مطبوعاتی که ما (امریکا) یا انگلیس روابط یکپارچه برضد مصدق داشتند.

داربی شایر در این موقعیت آشفته در پی صورت دادن ارتباط با تجار توسط گروه انگلیسی بود. چرا که دولت به سبب ایجاد رکود اقتصادی، واردات را قطع کرده بود و از لحاظ پرداخت مالیات و کمبود پول به اقشار مردم نیز زیان می رسید. از این رو از تجار برای رواج شایعات در بازار، و

کودتای ۲۸....

تنگه هرمز نقطه استراتژیک منطقه

تنگه هرمز نقطه استراتژیک منطقه خلیج فارس است. از این راه آبی هر روز ده ها تانکر نفتکش عبور میکنند و نفت این منطقه را به سراسر جهان می‌رسانند. ایران یکی از کشورهای مهم منطقه است و صدور نفت ایران نیز از همین تنگه می‌گذرد. جای بسی تأسف است که حاکمان جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است با کشورهای این منطقه روابط دوستانه برقرار نماید. و در نتیجه پیش گرفتن «سیاست ضد آمریکایی»، ایران را در منطقه به انزوا کشانده است. تقابل میان آمریکا و ایران بطور کلی با نفت ارتباط ندارد. زیرا ایران نیز یکی از کشورهای نفت خیز منطقه است و با صدور نفت از تنگه هرمز مقدار قابل ملاحظه‌ای در آمد ارزی بدست می‌آورد. آمریکا و هم پیمانانش در اروپا برای وارد کردن فشار به ایران سیاست تحریم را پیش گرفته اند. این سیاست تاکنون در مورد تحریم نفت اعمال نمیشد. اما اخیراً خبرهایی منتشر شده است مبنی بر این که آمریکا قصد دارد صدور نفت ایران را نیز تحریم نماید. ایران در مقابل اعلام کرده است چنانچه نفت ایران تحریم شود، تنگه هرمز را خواهد بست. در چنین شرایطی، جنگ میان ایران و آمریکا ناگزیر خواهد بود. درگیری نظامی در خلیج فارس به نفع هیچ یک از کشورهای این منطقه نخواهد. این جنگ ویرانیهای جبران ناپذیری در پی خواهد داشت و صدور نفت را نیز متوقف خواهد کرد. شصت درصد نیازمندیهای انرژی غرب از این منطقه تامین میشود. قطع صدور نفت تولیدات صنعتی را در غرب متوقف خواهد نمود. شمار بیکاران در کشورهای غربی را به میلیونها تن خواهد رساند. بنابراین عقل سالم حکم میکند که غربی ها نیز از درگیری نظامی در منطقه خلیج فارس پرهیز کنند. دولت ایران نیز حتماً به عواقب ویرانگر چنین جنگی واقف است و میدانند که آمریکاییها هزاران کیلومتر از منطقه خلیج فارس دور هستند. موشکهای قاره پیمای نیز نمیتواند این کشورها را هدف خود قرار دهد.

غرب در اوائل قرن پانزدهم به دو اکتشاف مهم دست یافت. از یک طرف آمریکا را کشف و از طرف دیگر با عبور از دماغه آفریقا به هندوستان دست یافت. تیره روزی مردم آمریکا و غرب آسیا از همین سالها آغاز گردید. آمریکای جنوبی به مستعمرات اسپانیا در آمد هندوستان نیز به مستعمره انگلیس تبدیل گردید. فوران نفت در جنوب ایران در اوائل قرن بیستم، ایران را به نیمه مستعمره انگلیس در آورد. از این تاریخ است که غرب آسیا از جمله منطقه خلیج فارس بعنوان منطقه استراتژیک در حیطه تسلط آنها در آمده است. جنگ دوم جهانی آمریکا را به یک قدرت جهانی مبدل نمود. در سالهای شصت انگلستان نیروی دریایی خود را از خلیج فارس بیرون کشید. آمریکا جای آنرا گرفت. ایران شاهنشاهی به منطقه استراتژیک نظامی و سیاسی آمریکا در آمد. از آن تاریخ است که آمریکا در این منطقه حضور دارد. انقلاب ایران گرچه آمریکا را از ایران بیرون راند. اما نتوانست او را از منطقه دور کند. جنگ علیه عراق آمریکا را در مرزهای ایران مستقر نمود. انقلاب در کشورهای عربی حکومتهای ضد آمریکایی را سرنگون نمود. سوریه آخرین پایگاه ضد آمریکایی در کشورهای عربی است که با جنگ داخلی دست و پنجه نرم میکند. ایران یگانه کشوری است که با حضور آمریکا در منطقه مخالف است و از حکومت بشار اسد حمایت می نماید. آیا ایران همیشه این سیاست را ادامه خواهد داد؟

به راه انداختن اعتراضات محدود استفاده می شد. این اعتراضات، درموعدهای مقرر توسط شخص مورد احترام مردم در تهران انجام می شد و تأییراتی بر زندگی عادی مردم نیز می گذاشت و زمینه را برای مرحله نهایی کودتا فراهم می ساخت. یکی دیگر از اقداماتی که باعث آشفته شدن وضع اقتصادی شد، ذخیره پول در گاو صندوق پایگاه امریکاییها در تهران بود که این کار توسط گویران انجام می شد. این صندوق مملو از اسکناس ۵۰۰ ریالی بود (موجودی این صندوق در سال ۱۹۵۳، حدود یک میلیون دلار بود). روزولت پس از ملاقاتهای اشرف و شوارتسکف با شاه، به نمایندگی از سوی آیزنهاور و چرچیل، به دیدار شاه رفت. ملاقات او با شاه در نیمه های شب، و کاملاً مخفیانه صورت گرفت. در این ملاقات روزولت جزئیات نقشه کودتا و امکانات و عوامل را با شاه در میان گذاشت و در نهایت، زمان های مورد نیاز کودتا (فرمان عزل مصدق و انتصاب زاهدی) را از شاه دریافت کرد.

آلن دالس (رئیس سابق سیا) چند روز پس از کودتا گفت: «در نوزدهم اوت ۱۹۵۳، تظاهراتی به طرفدارای از شاه در حوالی بازار انجام شد. تظاهرات طی اقدام سیاسی پایگاه سیا بر پا گشت و بتدریج با پی گیری عواملی که در ارتش داشتیم، موقعیت و شرایط لازم را برای اجرای عملیات نظامی فراهم کردیم. با دستوری که از طرف پایگاه امریکاییها صادر شد، زاهدی از مخفیگاه خارج و کودتا را رهبری کرد. روزولت در آن روز به زاهدی گفت: «به عنوان گام نخست اعلام کند که رئیس دولت موقت می باشد و در ساعات پایانی روز نوزدهم اوت، ایران در اختیار زاهدی قرار گرفت او پست های کلیدی همانند نیروهای مسلح را به اختیار خود درآورد و پس از چند روز شاه به ایران بازگشت. هندرسون به منظور اعطای کمکهای مالی ما از طرف سازمان سیا پنج میلیون دلار طی دو روز اول نخست وزیری در اختیار وی قرار داد تا بتواند سریع جایگاه خود را استحکام بخشد. انگلیس هم زاهدی را در ایران پشتیبانی نمود. این عمل توسط (کاردار سفارت انگلیس در تهران) انجام گرفت. طبق گفته وی حمایت جدی او از زاهدی با توافق لندن و واشنگتن بر سر نخست وزیری انجام شد. پس از کودتا و طی چند ملاقات با زاهدی، از او قول گرفت که آمریکا و انگلیس را در تأمین نفت یاری نماید. این مسئله بازتاب وسیعی در داخل آمریکا داشت؛ بطوری که روزی کلارک (دادستان سابق کل آمریکا) در این باره می گوید: «سیاست خارجی ما فعالانه سعی در محروم کردن دولت و ملت ها از استقلال خود دارد. شاه ۲۵ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، حافظ خوبی برای منافع ما در خاورمیانه بود. او طی این سال ها ۲۲ میلیارد اسلحه برای خود و خاورمیانه از آمریکا و انگلیس خریداری کرد. و در مقابل، کشورهای آسیایی را فقیرتر و وابسته تر به آمریکا و انگلیس نمود.»

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد

پیشه وری

طبیعت زیبای استان سبز و خرم گیلان و لزوم حفظ از منابع طبیعی آن

امروز وقت آن است که همسویی و هماهنگی با عملکرد طبیعت داشته باشیم و برای تحقق خشیدن به این مسئله چاره ای جز تغییر رفتار و بینش انسان نسبت به طبیعت وجود ندارد زیرا کره زمین خانه مشترک و محیط زیست همه انسانهاست و برای بقای خود ما چاره ای جز حفظ آن نداریم. در این مقاله مسائل محیط زیست استان گیلان بررسی می گردد. البته در یک مقاله ابعاد وسیع مسئله حفاظت از محیط زیست را نمی توان بررسی کرد لذا به بررسی مسائل حاد زیست محیطی استاد اکتفا می کنیم. استاد گیلان یکی از استادان بزرگ تاریخی و زیبای کشورمان می باشد. کوههای سر سبز و خرم، جنگلهای باشکوه و با عظمت و انبوه، رودخانه های پر آب و آرام، دریای پر جوش و زیبای خزر، تالابهای سبز، مزارع ۸۰ هزار هکتار بسیار سبز و با طراوت برنج، باغات با وقار جای، مرکبات کوخستانهای سبز و خوش آب و هوا، این سرزمین را به یکی از مناطق زیبای زیستی کشور تبدیل کرده است.

در طول تاریخ نویسندگان ایرانی، خارجی درباره این سرزمین آثار متعددی از خود به جای گذاشته، شعری بنام گیلان زمین، چهره سیمای زیبای این دیار را ستودند. استادان هنرهای تجسمی صحنه های جاذب آن را در تابلوهای خود ابدی کردند طبیعت زیبا و جذاب گیلان، آب و هوای ملایم آن، تأثیر فراوانی در انسانهای این دیار داشته و بحق گیلانیا در کشور و فرانسوی آن مردمانی ملایم و مهربان و دوست داشتنی شناخته شدند. طبیعت زیبا و انسانهای مهربان گیلان هر مهمان و سیاح را شایسته این آب و خاک می نمایند. گیلان از دورانی که بازار ابریشم رواج داشت یکی از مراکز بزرگ دادوستد بود و ما امروز بیش از پنجاه کتاب و رساله درباره ابریشم مرغوب این دیار در دسترس داریم. خوشبختانه صدها جهانگرد دو مورخ خارج و خودی شخصیت‌های سیاسی، تجاری در این سرزمین بوده و درباره آن مطالب جالبی نوشتند. امروز اسناد تاریخی مربوط به گیلان را در موزه های بزرگ جهان، لندن، سن پترزبورگ (در) موزه (آرمیتاژ) موزه تاریخی برلن، مسکو و موزه ایران باستان و سایر موزه ها می توان دید و تمام این اسناد نشانگر عظمت تاریخی این سرزمین می باشد.

جامعترین و قدیمی ترین این آثار گیلان و دلیل مستاک است که بدست استاد مرعشی، سید ظهراالدین سید نصرالدین در تاریخ ذی القعدة ۸۸۰ جری قمری به تالیف گردیده و بدست توانای استاد منوچهر ستوده به اتمام رسیده و امروز یکی از افتخارات ملی ما بشمار می رود این اثر جاویدان در ذکر تاریخ حکام و سلاطین گیلان و دیلمستان که قبل از خروج سادات والی و حکم گیل و دیلم حکومت کرده بودند و در آن حدود و رسوم گیلان و دیلمستان تشریح گردیده است. از اواخر قرن نوزدهم توسعه صنایع در استان گیلان شروع گردید و امروز این استان به یکی از مراکز بزرگ صنعتی کشور تبدیل گردیده و فرا آورده های صنعتی و کشاورزی آن نقش بزرگ در صادرات و تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. گیلان امروز کشورمان را با جمهوریهای سابق شوروی و جمهوری فدراتیو روسیه و از

در ماه گذشته سیل و سیلاهای شدید در بعضی ایالات کشور از جمله در ایالت گیلان خسارت زیادی به اقتصادی و محیط زیست این ایالات نارد نمود. بر طبق اطلاعات مطبوعات ایران سیل تالاب زیبای انزلی را به بسخ زار تبدیل و محیط زیست منطقه را آلوده کرده تالاب را به مرداب تبدیل نمود.

تالاب انزلی اولین تالاب بزرگ و زیبای گیلان بخشیده بود و ما ساکنین این مرز و لوم در حفاظت آن موظف بودیم ولی عهد شکنی به این وظیفه خود عمل نکردیم و تالاب را به مرداب تبدیل نمودیم که امروز به زحمت نم می کشد و بار سنگین احیای آن ابر دوش نسلهای آینده گذاشتیم.

بهر روز شکوری

محیط زیست و منابع طبیعی جهان در نیمه دوم قرن بیستم با شرایط جدید روبرو بوده که دانشمندان از این وضع بنام شرایط بحرانی نام بردند و اندیشمندان و دوستداران طبیعت زنگ خطر بحران محیط زیست جهانی را بصدا در آوردند. بحرانی که در محیط زیستمان بوجود آمده دارای تأثیر همه جانبه در تمام شئون زندگی انسان و بطور کلی جانداران بوده و بنابه به سرشت خود پدیده ای است بی سابقه زیرا بشر تاکنون شاهد بحرانی نبوده که در تمام شئون زندگی، طبیعت، بیوسفر، اکوسیستمهای چنین تأثیر همه جانبه گذاشته باشد. این بحران است که نه تنها سطح زمین و منابع آن را در بر گرفته بلکه در دریاها و اقیانوسها و تا اعماق هم تأثیر داشته است.

آلودگی هوا با گازهای سمی، فرسایش همه جانبه و نابودی خاکهای مزروعی، انهام با سرعت و فلاکتبار جنگلهای و مراتع، بطور کلی پوشش گیهان، تقلیل منابع آبی و خشکسالی، بیابان زانی، تأثیرات گلخانه ای، تخریب لایه اوزون، موتاژنز و تأثیر آن در ساختمان ژنتیکی، پرفاقتشانی هسته ای طبیعی و مصنوع، آلودگی خاک با سموم و کودهای شیمیایی آلودگی دریاها و اقیانوسها با مواد نفتی، بارانهای اسیدی، آلودگیهای تکنوژن، بروز بیماریهای مختلف، اینها مسائل است که بشریت با آن روبرو است. امروز مسائل زیست محیطی به رویداد جهانی تبدیل گردیده است که تابع هیچگونه قوانین محرز نمی باشد و این باعث نگرانی بشریت گردیده است. در طول تاریخ در یک پروسه زمانی انسان بر خلاف سایر موجودات زنده با کار دائمی خودش، از تحت کنترل بیولوژیک طبیعت بیرون آمده و بدین ترتیب امکان آن را یافت که حجم مایحتاج خود را از میزان مایحتاج فیزیولوژیکی وسعت دهد. بدین ترتیب انسان با طبیعت مناسبات جدید علمی، مدنی، بهداشتی ایجاد کرد. تأثیر دگرگون کننده انسان به طبیعت خیره کننده است. در زندگی روزمره مان با کارهایی که انجام می دهیم باعث دگرگونی بنیادی در طبیعت می گردیم. میزان این اغییرات با رشد نیروهای مولده و حجم کارهای انجام شده متناسب می باشد. تا او اخر قرن نوزدهم مقیاس و محور فعالیت بشر در کره زمین محدود بوده و با پیشرفت علم و تکنیک دایره فعالیت انسانها، تمام کره زمین حتی قطبهای منجمد را نیز در بر گرفت. بدین ترتیب عصر ما اساس گذر از بیوسفر به نوسفر گردید.

طبیعت زیبای...

طریق روسیه با کشورهای اروپای غربی و شرقی مرتبط می‌کند و نقش بزرگی در ژئوپولیتیک ایران دارد. استان گیلان مرکز چایکاری کشور می‌باشد طبق آخرین اطلاعات امروز ۳۲ هزار هکتار باغ چای و ۱۲۰ کارخانه تولید جای خشک در گیلان و مازنداران موجود است. و سالانه کشور در حدود ۴۰۰ هزار تن برگ سبز تولید می‌کند و می‌رود که در آینده نه چندان دور کشورمان از بابت چای مصرفی به خود کفایی برسد و صدور چای را در برنامه‌های صادراتی خود قرار دهد. استاد گیلان مرغوب‌ترین زیتون به شمار می‌رود که هم میوه آن و هم از روغن بسیار مرغوب آن استفاده می‌گردد. در استان گیلان بیش از یک میلیون اصله نهال زیتون موجود است که تقریباً ۶۵ درصد محصول کشور را تامین می‌کند. با در نظر گرفتن مصرف سالانه ۱۲ کیلوگرم در سال نیاز بیش از ۶۵ میلیون جمعیت امروز کشور به روغن بالغ بر ۷۸۰ هزار تن در سال است که با تولید ۳۲۰ هزار تن روغن نباتی در داخل سالانه نیاز به واردات حدود ۴۶۰ هزار تن روغن نباتی است. اگر بتوانیم حداقل نیمی از کمبود روغن کشور را از طریق توسعه کشت زیتون در اراضی استان بخصوص در توابع شهرستان رودبار که شرایط مناسب برای کشت زیتون دارد تامین کنیم در سال حدود ۲۰۰ میلیون دلار صرفه جویی ارزی خواهیم داشت.

استاد گیلان یکی از مراکز بزرگ صنایع سبک و غذایی بشمار می‌رود. انواع و اقسام فرآورده‌های صنعتی و غذایی در بازارهای کشور عرض اندام می‌نماید. در دهه‌های آخر استان به یکی از مراکز با اهمیت صنایع سنگین تبدیل می‌گردد و توسعه آن در صدر برنامه‌های استان قرار گرفته است. امروز توسعه سریع صنایع در استان هرچه بیشتر منابع طبیعی را بخدمت گرفته است و شیوه‌های استثمار فزاینده منابع طبیعی را در برنامه خود قرار داده است. بدین ترتیب در حین استفاده هرچه بیشتر از زمین به منظور تولید کشاورزی، از بین بردن جنگلها، استفاده فزاینده از شکار حیوانات وحشی، نسل ما به استثمار منابع زیر زمین هم پرداخته است و با پیشرفت نیروهای استثمار بیش از حد و فشرده از زمینهای مزروعی از طرف زمینداران برای هرچه بیشتر از دیاد غذایی در آن، عدم تطبیق تناوب منجر به نابودی، فرسایش خاکها در مقیاس وسیع گردیده است. بطوریکه می‌بینیم استان گیلان در راستای توسعه پایدار به پیش می‌رود لذا بررسی محافظت از محیط زیست در چارچوب توسعه پایدار باید عملی گردد.

در سالهای گذشته کنشهای متقابل حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی و توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی تا حدودی شناخته شده است. در بعضی از کشورهای جهان برنامه‌های توسعه پایدار به طرزى طرحی می‌شود که خسارت وارده به محیط زیست و تنوع زیستی را به حداقل تقلیل دهد. امروز دولت‌های و موسسات بین‌المللی رابطه بین حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی و توسعه پایدار را پذیرفته اند و احتمالاً وظیفه طراحی روشهای علمی و اجرای آنها را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در اوایل قرن بیست و یکم در اولویت و صدور برنامه‌های خود قرار خواهند داد.

در شرایط کنونی هدف ما باید توأم ساختن علوم طبیعی و علوم اجتماعی در طراحی راهبردها بمنظور راهنمایی در استفاده منطقی از منابع طبیعی باشد. در دهه‌های آخر قرن بیستم شناخت وابستگی و روابط متقابل بین حفاظت از محیط زیست و توسعه اجتماعی و اقتصادی با شناخت فزاینده اشتراک طبیعت و فرهنگ همزمان گردیده است. در این راستا مجمع عمومی یونسکو که در سال ۱۹۷۲ تشکیل گردید حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان را بنصوب رسانید. یکی از عوامل تعیین کننده تخریب محیط زیست در استان فرسایش خاک می‌باشد. فرسایش خاکهای زراعی به کویر از جمله فزاینده‌هایی هستند که نه تنها منابع خاک و آب منطقه بلکه تمام بنیادهای ترکیبی اکوسیستم و همچنین تمدن کشاورزی را مورد تهدید قرار می‌دهند. وجود شیب زیاد در مناطق کوهستانی استان شدت بارندگی موسمی، فقدان سیستم حفاظتی بیولوژیکی، هیدروتکنیکی و آگروتکنیکی، نابودی جنگلها بخصوص جنگلهای کوهستانی در پنجاه سال گذشته (در منطق آستارا و انزلی بخصوص در منطقه طالش) باعث فرسایش خاکها در مناطق کوهستانی گردید. در بین این عوامل فرسایش جنگلها از نقش مهم بر خور دارند.

جنگل‌های کشور در حال حاضر به ۵ بخش تقسیم گردیده است یکی از بخشها، جنگل‌های خزری (هیرکانی) در شمال (استانهای گیلان و مازنداران را احاطه کرده است). در حدود ۸۰۰ کیلومتر در شمال غرب تا کلیدای در شمال شرق واقع شده است و مساحت کل آن ۱/۹۲ میلیون هکتار می‌باشد. ۱/۳ میلیون هکتار از این جنگلها را جنگل‌های تجارتي تشکیل می‌دهد. جنگل‌های شمال از جمله جنگل‌های استان گیلان از مرغوب‌ترین جنگل‌های جهان به شمار می‌روند که ترکیب فلورستی بسیار غنی دارند. این جنگلها در نوع خود در دنیا بی نظیرند. در این جنگلها درختان بسیار نادر در جهان که امروز در کتابهای قروز قرار گرفتند (از جمله درخت انجیلی، برگ بو، اوکالیپتوس، شمشاد و غیره) موجود می‌باشند.

نابودی جنگل‌های ذیقیمت گیلان و مازنداران در گذشته، استثمار بی رویه و غیر علمی این ثروت عظیم ملی بمنظور تولید سلولز و کاغذ (در طالش) و از طرف سوادگران مبل در دهه‌های آخر عصر گذاشته و بکار بردن درختان ذیقیمت و صنعتی بمنظور سوختن، پیامدهای فلاکتباری برای بقای جنگلها دارد و ضربه مهلکی هم به محیط زیستمان وارد کرده است. در یک سفر چند روزه به شمال کشور (استانهای مازنداران و گیلان منطقه طالش) بدون هیچگونه تحقیقات زیربنایی می‌توان در یافت که میزان تخلفات و شدت تخریب جنگلها و مراتع بحدی است که اگر چاره اساسی برای این مساله اندیشید نشود از یک نعمت طبیعی بنام جنگل محروم خواهیم شد. طبق اطلاعات موجود شدت تخریب جنگلها و مراتع تا اوایل انقلاب اسلامی حدود ۴۸ درصد افزایش یافته بود. در اینجا بجاست گفته شود که بازماندگان اصلی فاجعه تخریب جنگل در کشور و در استانهای شمالی تنها نسل آینده خواهد بود که این بی تفاوتی و خرابکاری را به اجدادشان نخواهند بخشید.

سیل مخرب مایوله و سیل‌های وحشتناک در سایر نقاط استان گیلان و مازنداران خسارت سنگینی را به اقتصاد کشور

طبیعت زیبای....

وارد کرد. در جنگلهای خزری شمالی، کل موجودی چوب سرپایی ۳۵۸ میلیون متر مکعب تخمین زده می شود. طبق آمارهای رسمی (روزنامه اطلاعات شماره ۲۰۱۵۸) در مدت ۳۲ سال (از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۶) در حدود ۱/۵ میلیون هکتار از سطح جنگلهای شمال کاسته شده است که این یک چدیده تراژیک و یک صفحه سیاه در کارنامه حکام خود کامة دوره شاهنشاهی است.

اگر شتاب موجود در تخریب جنگلهای شمال را بررسی کنیم در آنصورت می شود احتمال نابودی کامل آنها را در ۵۰ سال آینده تخمین زد. تخریب ناجوانمردانه جنگلهای پرارزش در منطقه آستارا و طالش در گذشته این پیشفرض را منطقی جلوه گر می کند. امروز کارشناسان اظهار می دارند که برای ایجاد توازن در محیط زیست حداقل ۲۵ درصد خاک کشور باید زیر پوشش گیاهی در واقع جنگل باشد. در کشور ما این رقم ۷ درصد است و ما امروز نیاز به ۴۰ میلیون هکتار نهال کاری و جنگل کاری داریم. ۵۰ سال قبل در ایالات شمال کشور بخصوص گیلان حادثه جاری شدن سیل مطرح نبود ولی امروز بر اثر تخریب جنگلهای شمال بخصوص جنگلهای کوهستانی جاری شدن سیل در استانهای گیلان و مازنداران به یک حادثه عادی تبدیل گردیده است. سیل در مسیر خود خاکهای حاصلخیز استانهای شمالی را شسته از صحنه کشاورزی خارج می نماید در حالیکه برای تشکیل هر سانتی متر آن صد سال وقت لازم می باشد. امروز در اکثر کشورهای جهان حفاظت جنگلها در برنامه های دولتی و بنیادهای حفاظتی محیط زیست قرار دارد و اقدامات جدی برای حراست آنها انجام داده می شود. بشریت متمدن جنگلها را نه فقط به عنوان چشم انداز زیبا بلکه تضمین کننده بقای منابع آبی و خاکی بخصوص بزرگترین منبع تولید اکسیژن بحساب می آورد. امروز معین گردیده که هر هکتار جنگل در عرض سال ۴ تن مواد آلی تولید می کند. بطوریکه می دانیم مواد آلی یکی از ارگانهای مهم حاصلخیزی خاک بشمار می رود. نتایج تحقیقات دانشمندان جمهوری فدراتیو روسیه و جمهوری آذربایجان نشان می دهد که یک هکتار جنگل معادل ۲ هزار متر مکعب آب تصفیه شده به موجودات زنده هدیه می کند ضمن اینکه جنگلها با کنترل جریان آب و روانات مانع بروز سیلاب و فرسایش خاک می شوند. نقش و اهمیت جنگل در حفظ منابع طبیعی و محیط زیست بخصوص در تولید مواد غذایی در دهه آخر قرن گذشته مورد توجه دست اندر کاران محیط زیست و دانشمندان قرار گرفته است. در اینجا باید گفته شود که سیکل تولید مواد غذایی برای عالم زنده رونمایی است که زیربنای آن در کشورهاییکه روابط انسان با طبیعت وحشیانه بوده و پوشش گیاهی معدوم گردیده است، امروز تولید مواد غذایی با مشکلات عدیده ای روبرو است. بر عکس در کشورهاییکه پوشش گیاهی حفظ گردیده تولید مواد غذایی بر مراتب آسانتر می باشد. در این کشورها وجود پوشش گیاهی از فرسایش، رواناب و سیلها هم جلوگیری کرده باعث حفظ محیط زیست می گردد. نابودی پوشش گیاهی و در درجه اول جنگلها یکی از عوامل اساسی پیدایش اثرات گلخانه ای است.

در نتیجه کاهش و نابودی جنگلها، گاز کربنیک تولیدی نمی تواند در مقیاس بزرگ تبدیل به مواد قندی و مواد غذایی شود و در فضا بمقدار زیادی انباشته می شود و در ارتفاع بیش از ۲۰ کیلومتری زمین یک لایه تشکیل می دهد و همین مانع از خروج گرما از سطح زمین می گردد. در نتیجه گرما در سطح زمین رو به افزایش می گذارد. افزایش گرما موجب آب شدن یخها در اقیانوسهای منجمده و یخچالهای طبیعی می گردد و در نتیجه سطح آب اقیانوسها و دریاها بالا رفته قسمت بزرگی از خشکی را می بلعد. گرما همچنین باعث بروز خشکی می گردد. از دید فزاینده گرما نابودی بیوسفر و بشریت را تسریع خواهد نمود و این مشکلی است عظیم برای بشریت. امروز افزایش گرمای کره زمین، پدیده اثرات گلخانه ای و تخریب لایه اوزون یک مشکل منطقه ای نبوده بلکه بین المللی است و برای همین هم سازمانهای بین المللی نظیر WFB, F.A.O, WFC و آژانس بین المللی اتمی به فکر چاره اندیشی افتادند. در امر محافظت از محیط زیست، حفظ پوشش گیاهی و در درجه اول جنگلها امکانات بالقوه در جهان موجودند که هنوز بالفعل نگردیده اند. البته بین المللی کردن این مسائل دلیل بر آن نیست که ما در مقیاس استان و کشور نشسته دست روی دستان بگذاریم. باید درک کنیم که ما نیز جدا از جهان نیستیم و بنوبه خود در مکان زیستمان زنگ خطر را زده و بفکر چاره باشیم و این کاری است که در مقیاس استان گیلان هم باید انجام گیرد. امروز بشریت مترقی به جایی رسیده است که، زمینه حفظ منابع طبیعی، محیط زیست و تولید مواد غذایی تطبیق تدابیر و کارهای غیر علمی را قبول ندارد و خواستار انجام تدابیر علمی با پیش بینی های لازم می باشد. پیشرفت سریع علمی و صنعتی در استان، زراعت فشرده بطور کلی توسعه پایدار، باید همگام با اتخاذ تدابیر اساسی حفاظت از محیط زیستمان عملی گردد. در غیر اینصورت نه توسعه پایدار و نه محیط زیست مناسب خواهیم داشت.

یکی از مسائلی که امروز در محیط زیست استان اظهار وجود می نماید آلودگی آب دریای خزر می باشد در ۵۰ سال گذشته استثمار ناخیر نفتی دریا در مناطق دور از ساحل و در نزدیکی ساحل استثمار فشرده و فزاینده منابع نفتی دریا (سالهای بعد از ۱۹۹۵) در سواحل جمهوری آذربایجان و جمهوریهای قزاقستان و ترکمنستان به آلودگی شدید دریای خزر انجامید. آلودگی شدید رودخانه های هظیم و لگاؤدن در جمهوری فدراتیو روسیه که دریای خزر می ریزند. آلودگی با فصولات صنایع نفتی «متالورژی» آلودگی شدید دریا را بعمل آورده و در نتیجه ضربه بزرگی به تولید ماهی و خاویار وارد کرده است. آلودگی دریای خزر از طرف کشورهای همسایه و تشدید آن در آینده نزدیک از طرف شرکتهای نفتی جهان خسارات غیر قابل جبران به بار خواهد آورد. نسل مرغوبترین ماهیها از بین رفته مقدار خاویار تولیدی بشدت تنزل پیدا کرده است که ضربه مهلکی به اقتصاد کشورمان وارد خواهد نمود وقت آن رسیده است که مقامات دولتی کشور بخصوص استانهای گیلان و مازنداران اقدامات جدی بین المللی برای پاکی آب دریای خزر انجام داده و با کنسرسیوم نفت که به استثمار منابع نفتی جمهوری آذربایجان در دریای خزر مشغول است و همچنین با دیگر دول همسایه به مذاکره بپردازند.

طبیعت زیبای...
در بین منابع آبی که بیشتر مورد آلودگی واقع شده، تالاب بندر انزلی را میتوان نام برد. تالاب انزلی یا به قول گیلانیها مرداب انزلی یکی از تالابهای زیبا کشور و استان بوده و چون تالاب هنوز زنده و در فعالیت می باشد. آلودگیهای ناشی از توسعه صنعت و کشاورزی در پنجاه سال گذشته ضربه مهلکی به محیط زیست استان بخصوص این اکوسیستم آبی زده و امروز اسم مرداب به این مخزن بزرگ آبی بیشتر به حقیقت نزدیک می باشد. این تالاب در بین ۱۷ تالاب کشور و ۳ تالاب موجود استان زیبای گیلان، بزرگترین می باشد. ۱۸ رودخانه اصلی و ۳۲ رودخانه فرعی به تالاب انزلی که مانند یک زیر مجموعه از اکوسیستم دریای خزر می باشد. می ریزد. اهمیت و ضرورت زیست محیطی تالاب انزلی به دو عامل مهم موجودات زنده گیاهی و جانوری بسته می باشد. گونه های نادر و کمیاب پرندگان، جانوران آبی و لاله های آبی از نعمتهای زیبا طبیعت بوده و می تواند جاذبه های زیستی و جانوری منطقه را تشکیل دهد.

پنجاه سال قبل تالاب انزلی در جلوی چشم نویسنده این کتاب برد. در آن دوره مؤلف در دبیرستان فرودوسی بندر انزلی در محلی که آب دریا و تالاب همدیگر را در آغوش می کشیدند به تحصیل مشغول بود و شب و روز از زیباییهای تالاب لذت می برد. استادان پیر و جوان هنرهای تجسمی منظره های زیبا تالاب را روی تابلو می آوردند. شعرا و نویسندگان زیبایی محیط را می سرودند. هنوز هم بیاد دارم نقاش جوان بنام آقای آنرگین که نقاشخانه خود را زیر پل در کنار آبهای نیلگون تالاب دایر کرده بود صبحها و عصرها مناظر زیبا تالاب را با مهارت روی تابلو می آورد. تالاب مخزنی بود بزرگ و تمیز که سطح آن با نیلوفرهای زیبا پوشانده بود. گشتیهای باری از دریا و از زیر پلهای متحرک گذشته و در اسکله های تالاب لنگر می انداختند و منظره زیبایی به بندر انزلی می دادند. طبیعت یک هدیه بزرگ، نگین نیلوفری به منطقه بخشیده بود و ما ساکنین این مرز و بوم در حفاظت آن موظف بودیم ولی عهد شکنانه به این وظیفه خود عمل نکردیم و تالاب را به مرداب تبدیل نمودیم که امروز بزحمت نفس می کشد و بار سنگین احیای آن را بر دوش نسلهای آینده گذاشتیم.

طبق اطلاعات مقامات زیست محیطی استان گیلان آلودگی تالاب هم اکنون به ۲/۵ تا ۳ تن در هکتار می رسد. تالاب انزلی پناهگاه پرندگان مهاجر که از شمال و مناطق سردسیر سیبری و روسیه بسوی آبهای گرم جنوب پرواز می کنند بشمار می رود. این پرندگان از تالاب انزلی بعنوان ترانزیت استفاده می کردند و اواخر پاییز و اوایل زمستان هزاران گونه نادر پرندگان به تالاب زیبایی بخصوص می دادند و تالاب هم وظایف میهمان نوازی خود را بنحو عالی انجام می داد. آب تمیز، مواد غذایی کافی، اقلیم ملایم منطقه، هر سال مهمانان جدیدی را به این منطقه جلب می کرد ولی امروز وضع تالاب برای پرندگان میهمان خالی از خطر نیست. آلودگی آب، انباشته شدن زباله و فضولات کارخانه های شیمیایی محیط غذایی را برای پرندگان زهر آلود کرده و مانند سابق از تماشای پرندگان زیبا، غازهای خاکستری، انواع اردکها، درنا، چنگر، حواصیل، پلیکایها، فلاسینگو و دیگر پرندگان آبی و کنار آبی محروم می باشیم. صدها

قطعه اردکهای نادر، سرسبز، مرمری و غیره در این تالاب زمستان گذارانی و جوجه آوری می کردند. سطح تالاب سفره مزیبی را می ماند ولی حالا شاهد این صحنه های جاذب نیستیم. باید اظهار نمود که تالاب تنها پناهگاه پرندگان مهاجر نبوده بلکه دارای ذخیره گاههای منایب در حفظ و تامین بقایای نسل آبریان منطقه نیز می باشد. در شرایط آلودگی امروزی تالاب، سلامت و موجودیت بیش از ۴۰ گونه ماهی در خطر می باشد.

یکی از علل آلودگی تالاب بندر انزلی توسعه رشد سریع گیاه آزولا در سطح تالاب می باشد این گیاه در سالهای گذشته از هندوستان به منظور حاصلخیزی زمینهای کشاورزی آورده شد و در آن موقع کسی قادر به پیش بینی نبود که این گیاه خیرخواه به یکی از دشمنان تالاب تبدیل خواهد شد. گیاه آزولا بسرعت در سطح تالاب کسترش می یابد و برای تالاب به عامل سرنوشت ساز تبدیل می شود. مسئله سر این است که گیاه سطح آب را می پوشاند و از نفوذ نور به عمق تالاب جلوگیری می کند و اکسیژن موجود را می بلعد. امروز گیاه آزولا را با غدهسرطانی می شود مقایسه کرد که چنگ در کلوی تالاب فرو برده از تنفس آن جلوگیری می نماید. از سوی دیگر فاضلاب شهر رشت و شهرهای دیگر استان و روستاهای اطراف و رودخانه هائیکه به تالاب منتهی می شوند و روز به روز آلوده تر می شوند وضع را بحرانی تر و خطرناکتر می کنند. امروز در اطراف تالاب زباله دانهای متعدد، قبرستانهای لاستیکهای کهنه و از کار افتاده جلب نظر می کند. ساکنین اطراف تالاب روغن و مواد نفتی را به تالاب می ریزند و یک محیط نامناسب برای جانداران ایجاد می نمایند. در شرایط کنونی بخصوص در شهرهای بزرگ و مراکز صنعتی استان آلودگی هوا عرض اندام می کند و هر روز وضع بحرانی تر می گردد.

در بین آلوده کنندگان محیط زیست استان ده آلوده کنند بزرگ که بیش از سایرین خطرناکند:

- ۱- اکسید دو کربن: این گاز بسیار زیان آور بوده و تا حدی بر بعادل گرمای جو تأثیر می گذارد از سوخت ناقص مواد فسیل مانند نفت، فر آورده های نفتی، ذغال، هیزم در صنایع فلزی، نفتی، کارخانه های شیمی و وسایل نقلیه موتوری تولید می شود. تراکم بیش از حد این گاز به ازدیاد حرارت محیط زیست، تقلیل کلی مقدار اکسیژن در فضای حاکم و بیوسفر می انجامد و ضربه به کمر بند اکسیژن می زند.
- ۲- گاز کربنیک: از سوختن محصولات گوناگون کربن دار بوجود می آید. تراکم بیش از حد این گاز در بیوسفر گرمای سطح زمین را تا حد خطرناکی بالا می برد. تراکم این گاز تعدل گرمای جو را هم بهم می زند.
- ۳- اکسید ازت: این گاز بسیار خطرناک بوده موجب بروز بیماریهای تنفسی و بر نشیب کودکان و نوزادان می شود. این اکسید از موتور هواپیماها، کوره های زباله سوزی، از مصرف کودها، از کارخانجات و حریق جنگلها و نیروگاههای برق تولید می شود و مانند مه غلیظی اطراف را فرا می گیرد.
- ۴- گاز سولفورو: هوا را آلوده کرده و بیماریهای تنفسی ایجاد می نماید. این گاز به گیاهان و درختان آسیب فراوانی می زند. از دودهای مراکز انرژی کارخانه ها، اتومبیلها، سوخت خانگی تولید می شود. تراکم این گاز سنگهای آهکی،

طبیعت زیبای....

ساختمانها و برخی منسوجات ساخته شده از مواد مصنوعی را می فرساید و از بین می برد.

۵- فسفاتها: بطور کلی در فاضلابها پیدا می شود و بویژه از مواد پاک کننده، فاضلاب زارعی که کودهای شیمیایی در آنها مصرف می شود بخصوص مزارع برنج و از زباله های محل پرورش طیور و جانوران اهالی تولید می شود. فسفاتها از عوامل اصلی فساد آبها، تالابها و رودخانه ها بشمار می رود.

۶- سرب: تراکم آن بر آنزیمها اثر می گذارد و موجب اختلال سوخت و ساز می شود. منبع اصلی سرب مواد نفتی می باشند که بمنظور تقلیل قدرت انفجار اضافه می گردد. سرب همچنین از صنایع شیمیایی، داروهای دفع آفات جانوری و گیاهی به محیط اطراف اضافه می شود. سرب در رسوبات دریایی و آبهای شیرین مخازن انباشته می شود.

۷- جیوه یکی از سموم مؤثر غذایی محسوب می گردد و در درجه اول ماهیها و سخت پوستان را آلوده می کند. جیوه بر سیستم اعصاب تأثیر منفی دارد. تراکم جیوه همچنین از مصرف مواد محترقه، فسیلها، لامپهای الکتریکی از کار افتاده، از صنعت کلر و قیالی کارخانجات رنگ سازی و الکتریکی از صنعت خمیر کاغذ تولید می شود. جیوه جزء سمهای خطرناک محسوب می شود.

۸- نفت: تراکم نفت در سطح زمین و منابع آبی بخصوص تالابهای استان اثرات بومی بسیار مضر دارد. جانداران بخصوص حیوانات ذره بینی را که در سطح دریاها شناور یا غوطه ورنند مسموم می کند. به ماهیها، پستانداران، پرندگان دریایی بخصوص پرندگان مهاجر آسیب سختی می رساند. در دنیای امروز آلودگی دریای خزر مشکل بزرگی برای ساکنین اطرافش ایجاد کرده است.

۹- مواد شیمیایی: مواد شیمیایی کشنده انگلهای گیاهی و جانوری، این مواد در غلظتهای بسیار پایین مواد بسیار مسموم کننده برای سخت پوستان بشمار می رود.

۱۰- کودهای با منشاء از تی و نیتراتی: در کشاورزی معاصر ایران بخصوص در استانهای شمالی امروز از اوره و سایر کودهای از تی با منشاء نیتراتی بیش از حد استفاده می گردد. علت این امر آن است که دولت برای خرید کود به کشاورزان سوبیست بزرگی می دهد. تطبیق کودهای از تی باعث بزرگی میوه گردیده سیمای تجارتي خوبی به محصول می دهد و در نتیجه از فروش آنها نفع بزرگی عاید کشاورزان می گردد. لذا بیش از سایر کودها، از کودهای از تی استفاده می گردد که آلودگی محصولات را در پی دارد. تنظیم نشدن سیستم غذایی گیاهان کشاورزی باعث گردیده که از کودهای فسفوری کمتر استفاده گردد و از پتاس یا اصلا استفاده نمی شود یا به مقدار ناچیز مورد استفاده واقع می شود در نتیجه آلودگی نیتراتی در مزارع ایجاد می گردد. نیتراتها بسهولت شسته شده به طبقات پایین رسوخ پیدا می کند در نتیجه آبهای زیر زمینی هم آلوده می گردند. محصولات آلوده به نیتراتها و نیتريتها به ارگانیزم انسان و حیوان رسوخ پیدا می کنند و در نتیجه حوادث پوتولوژیکی

در بدن ایجاد می نمایند. نیتراتها بسهولت وارد خون شده گلوبولهای قرمز را فلج می نمایند و در نتیجه گلوبولها قادر به اجرای وظایف خود که اکسیژن رسانی به سلولها می باشد نمی شوند و در ارگانیزم مرض سیانور بعمل می آید. مسمومیت نیتراتی برای نوزادان و خردسالان بسیار خطرناک است.

۱۱- تشعشعات: این عامل آلودگی محیط در دهه های آخر قرن کنونی توسعه بسیار زیادی یافته است. در استان گیلان پر توافشانی هسته ای طبیعی موجود است. بطوریکه معلوم است در استان سنگهای آهکی و سایر سنگهای مادر دارای ایزوتوپهای رادیواکتیو بخصوص استرانسیوم موجود می باشد. این سنگها بر اثر فرسایش خاک و یا استخراج معادن به سطح زمین پراکنده شده و در موارد بخصوص شروع به اشعه پراکنی می نماید. مسئله این است که ذرات بعضی عناصر قادرند در مدت ۳- ۲۰ هزار سال اشعه پراکنی نمایند و امروز قادر نیستیم که از آن جلوگیری نماییم. البته عوامل کم فعال کردن ذرات (Deactivation) موجود می باشد ولی امروز به طور کامل انسان قادر نیست از اشعه پراکنی آنها جلوگیری نماید. مواد رادیواکتیو (ایزوتوپ فسفوری - ۲۶) در کودهای فسفوری هم موجود است. از عناصر رادیواکتیو رادیوم، اورانیوم، ید، (ایزوتوپهای آنها) در نفت خام هم موجودند. اطلاعات موجود نشانگر آن است که در مناطق ساحلی دریای خزر درجه اشعه پراکنی هسته ای بین ۴۰- ۱۵۰ میکروروننگن در ساعت است. در سواحل بندر انزلی هم درجه اشعه پراکنی زیاد بوده و در خیلی موارد مقدار اشعه هسته ای بمراتب بیش از حد تعیین شده (نرمال) می باشد. باید تذکر داد که مقدار اشعه بین ۷- ۱۲ میکرو روننگن در ساعت عادی و نرمال می باشد. وجود بیش از حد تعیین شده اشعه هسته ای باعث بروز انواع امراضی سرطانی بخصوص سرطان پوست، خلق و بینی و (لیکومی) سرطان خون می گردد.

در سالهای اخیر در مقیاس استان تدابیری بمنظور حفاظت از محیط زیست انجام گرفته بر طبق اطلاعات موجود (روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۵) در چند سال گذشته در حدود ۴۰ هزار هکتار جنگل مصنوعی در استان گیلان احداث گردید. مقامات مسئول جهان کشاورزی اعلام نمودند که سالیانه حدود ۳ هزار ۵۰۰ هکتار جنگل کاری در استان صورت می گیرد. مقامات اجرایی استان خروم دام و انسان از جنگل را برنامه ریزی کردند و به مرحله اخترا در آوردند و این اقدام جدی برای جلوگیری از تخریب منابع طبیعی باید بشمار رود. امروز وجود بیش از ۱۵۰۰ آبادی و یک میلیون و ۸۰۰ هزار واحد دامی در داخل جنگل در استان عامل مهمی در تخریب جنگل می باشد. در دو سال گذشته اجرای طرح خروج ۳۳۴ خانوار جنگل نشین و حدود ۶۰ هزار واحد دامی از جنگل در ح.زه شهرستان آستارا بمرورد اجرا گذاشته شده و برنامه احیای جنگلهای مخروبه این منطقه نیز در دست اجرا می باشد.

در سال گذشته دوستداران محیط زیست (سبزها) این مودان و زنان فداکار در تالاب بند انزلی اقدامات پاکسازی تالاب را

طبیعت زیبای...

۱۶- تطبیق سیستم مشاهدات اختصاص (مونیتورینگ) بر خاکها و منابع آبی استان بمنظور جلوگیری از تخریب و آلودگی آنها

۱۷- انجام تحقیقات اختصاص بمنظور اندازه گیری اشعه پراکنی هسته ای در شهرها بخصوص مناطق مسکونی ساحلی و مناطق مورد فرسایش

۱۸- تدریس اصول مبارزه با آلودگی محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی در دانشگاهها و مدارس استان

۱۹- نشر پلاکاردها، کتابچه ها و مقالات درباره مسائل محیط زیست استان و تشکیل گردهماییهای علمی با شرکت سبزا

۲۰- انجام برنامه های تبلیغاتی در رسانه های گروهی بخصوص رادیو و تلویزیون استان بمنظور آشنایی کامل اهالی با مشکلات آلودگی محیط زیست.

پروفسور دکتر بهروز شکوری

انجام دادند. در چند سال گذشته اقدامات مهمی مبنی بر ازدیاد فضای سبز در شهرها و روستاها انجام گرفته و برنامه های مبارزه با فرسایش نیز در دست اجرا می باشد. امروز وقت آن رسیده است که با برنامه ریزی مناسب و اعمال مدیریت کار آمد و با همکاری مراکز دانشگاهی و فرهنگی مسائل مبارزه با آلودگی و تخریب محیط زیست و منابع طبیعی به یک فرهنگ عمومی تبدیل شد. فقط در این شرایط خواهیم توانست از تخریب کامل منابع طبیعی جلوگیری نماییم.

دانشمندان و دست اندرکاران محیط زیست معتقدند که اگر به منابع طبیعی کشور توجه علمی انجام پذیرد از نظر اقتصادی خود کفائی هم تامین خواهد شد. باید نظر داشت که حفاظت از منابع طبیعی و پوشش گیاهی دلیل بر عدم بهره برداری از آنها نمی باشد بلکه تطبیق تدابیر حفاظتی بهره برداری بهینه و اصولی از منابع طبیعی را تامین خواهد نمود و در این شرایط بهره وری هم بالا خواهد رفت سازمان کشاورزی استان گیلان در چند سال گذشته اقدامات جدی برای تعویض شیوه های مبارزه شیمیایی با بیماریها و آفات گیاهان کشاورزی با روشهای بیولوژیکی انجام داد. طبق اطلاعات موجود در ۵۰ هزار هکتار از شالیزارها مبارزه بیولوژیکی علیه آفات برنج انجام داده شده که بسیار پرمهر بوده است. بدین ترتیب از استعمال صدها تن مواد سمی شیمیایی که سرطان زا هم میباشند جلوگیری گردیده و از نظر اکولوژیکی محصول تمیز برنج بدست آمد. تعویض بنزین سرب دار با بنزین تمیز یکی از اقدامات بسیار مهم مقامات استان در مبارزه با آلودگی هوا می باشد.

بمنظور جلوگیری از آلودگی محیط زیست اقدامات زیر را باید بموقع اجرا گذاشت:

جهان یکپارچه، در دستان امپریالیسم

اهداف امپریالیسم، جهان را به زیر سیطره اقتصادی - سیاسی و فرهنگی در آوردن است. برای رسیدن به این مقصد از هیچ جنایتی رویگردان نیست. در همین راستا، در اواخر قرن بیستم موفق شد تسلط خود را بر بسیاری از کشورهای اعمال کند و بدین وسیله منابع طبیعی و بازار بخش بزرگی از جهان را به انحصار در آورد. بدین ترتیب جهان به یک امپراطوری بزرگ تبدیل شد که در راس آن ایالات متحده آمریکا قرار داشت. از آن تاریخ دهها سال می گذرد. تحولات شگرفی بر اثر مبارزات رهایی بخش خلقهای کشورهای مستعمره در جهان روی داده است. این مبارزات باعث تغییرات زیادی در جغرافیای سیاسی جهانی شد. امروز اصطلاح استعمار به مفهوم گذشته معنای خود را از دست داده است. از آن تاریخ تا کنون بیش از یکصد و نود کشور به استقلال دست یافته اند. اما اکثریت این کشورها به لحاظ اقتصادی عقب مانده نگذاشته شده اند و مردم این آنها همچنان با فقر دست به گریبان هستند. نکته جالب توجه اینجاست که اکثریت این کشور دارای منابع طبیعی سرشار زیر زمینی هستند که بعلت فقدان امکانات تکنولوژی (غرب از دادن تکنولوژی به این کشورها خودداری می کند). و مالی نمیتوانند از ثروت طبیعی خود بهره برداری لازم را انجام دهند. در مقابل، کشورهای رشد یافته صنعتی یا استعمارگران دیروزی با استفاده از قدرت تکنولوژی و نظامی منابع طبیعی این کشورها را مورد بهره برداری (چپاول) قرار میدهند. یعنی مواد خام موجود در این کشورها را به ارزانترین قیمت ممکن در اختیار میگیرند. همین مواد خام را به کالاهای مصرفی تبدیل و با گرانترین قیمت در بازار همین کشورها بفروش می رسانند.

ایران یکی از همین کشورهایی است که از لحاظ سیاسی به استقلال رسیده است. اما بدلیل نداشتن صنایع مدرن نمی تواند از منابع طبیعی خود به نحو احسن استفاده کند. بطور نمونه می توان اشاره کرد که کشور ایران در

۱- حفاظت از پوشش گیاهی و احیای آن با تدابیر فیتوملیوراتیو (Fitorneloiorativ)

۲- حفاظت از منابع آب

۳- جلوگیری از سیلابها (با احیای پوشش گیاهی)

۴- تراسبندی (شبه چینی) در مناطق کوهستانی و شیبه بمنظور کشت و زرع

۵- جلوگیری از فرسایش فزاینده خاک

۶- جلوگیری از لغزش خاک

۷- تلاش بیولوژیک برای نابودی پسماندهای ارگانیکه

۸- تعویض مبارزات شیمیایی با امراضی و آفات گیاهی با شیوه های مبارزات بیولوژیکی

۹- تنظیم علمی سیستم تغذیه گیاهان و جلوگیری از تطبیق بی رویه کودهای از تی

۱۰- تقویت با کترپهای تثبیت کننده ازت اتمسفر (از تو باکترها، قارچهای اسپرژیلوس، پنسیلیوم و غیره) با استعمال کودهای باکتریال (آرتوباکترین)

۱۱- اصلاح کیفیت هوا

۱۲- اتخاذ تدابیر جدی بمنظور جلوگیری از مصرف بنزینهای سربدار

۱۳- تنظیم رژیم حفاظتی در مخازن رسمی و غیر رسمی زباله و جلوگیری از سوزاندن آنها در حریم شهرها و مساکن عمومی

۱۴- جلوگیری از شستن تانکرهای نفتی در دریا و تالابها

۱۵- پالایش آبهای آلوده صنعتی

جهان یکپارچه، در....

حالی که یکی از بزرگترین کشورهای تولیدکننده نفت خام در جهان است، امکان تصفیه بنزین کافی برای مصارف داخلی را ندارد. و مجبور است بنزین را از خارج از کشور وارد کند.

با وجود اینکه بیش از سی سال است حکومت بر آمده از انقلاب ایران را اداره میکند. هنوز برای حفظ استقلال با امپریالیسم جهانی در حال جنگ است. یکی از بزرگترین دلایل عدم موفقیت در این جنگ، عبارت است از اینکه ایران صادرکننده مواد خام و واردکننده کالاهای صنعتی و مصرفی است. این درگیری سیاسی با آمریکا و هم پیمانان او بدلیل آنکه راه اصولی و منطقی را طی نکرده است، به شدت منافع ملی ما را زیر ضربه قرار داده است. عدم توجه حاکمیت به تولید ملی و سرمایه های فکری و رویکرد به رانت خواری و سرمایه گذاری های زود بازده و سود آور مانند واردات بی حساب کتاب، توسط نورچشمی ها و ارگانهای امنیتی - نظامی و اتکا به فروش نفت بعنوان یگانه تامین کننده ارز مورد نیاز کشور یکی از بزرگترین خطاهای حاکمیت کشور بوده و هست. این فاجعه در شرایط بحرانی امروز کشور بیش از پیش خود را نشان میدهد. هم اکنون حتی حاکمیت اذعان دارد که در صورت تحریم نفت از جانب آمریکا و متحدین آن ضربه مهلکی به پیکراقتصاد ایران وارد خواهد شد. تحریم اقتصادی میتواند اقتصاد ایران را فلج کند. مواد غذایی را کمیاب نماید. قیمت ها را بیش از حد افزایش دهد و قدرت خرید مردم به مراتب کم کند. در چنین حالتی گرسنگی و هزاران عواقب ناگوار اجتماعی دیگر بویژه برای زحمتکشانش در پی خواهد داشت.

حاکمان کنونی با ادامه این سیاست غلط نه تنها به ملت خدمت (چنانچه مدعی هستند) نخواهند کرد، بلکه با تشدید شرایط بحرانی امنیت ملی کشور را نیز با خطر جدی مواجه خواهند نمود. حاکمیت ایران اگر قصد ندارد از تاریخ ایران و جهان درس بیاموزد، لا اقل نگاهی بیندازد به حوادث اخیر در منطقه. در کشورهای عربی که حاکمان مستبد و مادام العمر سرکار بودند، انقلابهای سیاسی رخ داد. حکومت های مستبد رفتند. مردم از سلطه دیکتاتورها رهایی یافتند. آزادی های نسبی برای مردم ایجاد شد. با تغییر حکومت های مستبد اوضاع سیاسی نیز تغییر کرد. دیکتاتوری جای خود را به آزادیهای نسبتاً دمکراتیک داد. سردمداران رژیم باید درک کنند که ایران در مقایسه با کشورهای عربی منطقه از سابقه چندین انقلاب دمکراتیک برخوردار است. در نتیجه همین انقلابات تغییرات سیاسی و تحولات اجتماعی جدی در کشور صورت گرفته است. ایران تنها کشوری است در منطقه، که بیش از صد سال است دارای قانون اساسی است. که اگر همان قانون اساسی صد سال پیش، امروز اجرا شود بخش بزرگی از خواسته های مردم عملی خواهد شد.

از دیگر سو نزدیک به یک قرن پیش در همسایگی شمال کشور ما سوسیالیست ها حکومت را بدست گرفتند. در این کشور ثروت ملی به مالکیت اجتماعی در آمد، کار، تحصیل، مسکن و بهداشت و درمان حق همگانی

شد. اقتصاد کشور همسایه علیرغم مشکلات و عقب ماندگی به همت کار و تلاش همگانی به سرعت رشد و شکوفا شد. حکومت شوراها که مرکز ثقل آن را کارگران در دست داشتند، نشان داد در کوتاهترین مدت می توان از یک کشور عقب مانده، کشوری پیشرفته و مدرن ساخت، که قبلاً حتی سخن گفتن از آن به آرزوی دست نیافتنی می ماند. این حادثه تاریخی چراغ راهنمایی بود برای دیگر خلفای جهان که خواهان برون رفت از عقب ماندگی و فقر و فلاکت بودند. طبیعی است که خلفای ایران که در همسایگی این کشور قرار داشتند، بیش از دیگران تأثیر پذیر باشند. انگلیسیها که ایران را در سیطره خود داشتند، برای جلوگیری از نفوذ تفکر سوسیالیستی رضاخان را سرکار آوردند. رضا خان این رسالت تاریخی را بشکل احسن برای سرمایه داری جهانی به مرحله اجرا در آورد. او مخالفین خود را اعم از سران قبایل و روشنفکران ترقی خواه و جوان را از صحنه سیاست حذف کرد. تا مبدا تفکر سوسیالیستی در کشور رشد کند. قانون ضد کمونیستی موسوم به قانون سپاه را از تصویب گذراند و بر اساس آن فعالیت حزب کمونیست و اتحادیه های کارگری را ممنوع و کمونیست ها و روشنفکران ترقی خواه را به زندان انداخت و به شدیدترین شیوه های غیر انسانی آنها را مورد اذیت و آزار قرار داد و عده ای را نیز به قتل رساند. بعد از مرگ رضا خان پسر او محمد رضا با دستور این بارآمریکاییها حکومت ملی آذربایجان را سرکوب نمود. هزاران میهن پرست را به کشتارگاهها و به تعبیگاهها فرستاد. حکومت ملی مصدق را سرنگون کرد و حزب توده ایران را با کشت و کشتار دست جمعی از صحنه سیاست ایران خارج نمود. اما در نهایت او نیز قربانی سیاست ضد ملی خود شد.

حاکمیت جمهوری اسلامی نیز سیاست های ضد مردمی رضا خان و پسرش را با شدیدترین شکل ادامه میدهد. نیروی های ترقی خواه اعم از کمونیست - دمکرات و ملی مورد پیگرد و سرکوب واقع می شوند. زندان های رژیم پر است از جوانانی که جرمشان انتقاد به عملکرد نادرست حاکمیت است. حاکمیت هرگز حاضر به پذیرش انتقاد نیست و قصد دارد فضای سیاسی را همچنان بسته نگهدارد. گویا فضای خفقان صد سال پیش هنوز در کشور پا برجاست. اما مردم ایران به مرحله ای از رشد سیاسی و اجتماعی رسیده اند که فضای سیاسی موجود هرگز پاسخگوی نیازهای امروز آنها نیست. مبارزات مردم ایران بخصوص در سالهای اخیر نشان داد که مردم کشور خواهان تغییرات جدی در مدیریت کشور به سود آزادی های دمکراتیک و عدالت اجتماعی هستند.



نبود توازن بین دستمزدها با تورم موجود در کشور تنها یکی از مشکلات جامعه کارگری است. در حالی که یک کارگر بیشتر از یک کارمند دولت مالیات میپردازد.

از برخی حمایت‌های غیر نقدی دولت که به کارمندان پرداخت می‌شود نیز محروم است. بحران معیشتی جامعه کارگری بحدی است که فعالان کارگری هشدار داده‌اند که سلامت جسمی کارگران و خانواده آنها مورد خطر جدی است. فقدان امنیت شغلی و وضعیت بحرانی بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی در عین حال افزایش میزان تورم این نگرانیها را بیشتر میکند. دستمزدها در برابر امواج پی در پی گرانی بسیار ناچیز است. کارگران نه تنها قادر به تامین نیازهای اولیه مانند درمان و دارو و بهداشت خود نیستند، بلکه از تامین ضروری‌ترین مواد خوراکی از جمله نان نیز ناتوان شده‌اند. کار بجایی رسیده است که کارگران تکیه گاهی در زمین پیدا نمیکنند و به خدا مراجعه میکنند و میپرسند: "خدایا کجائی بیدار شو، منم کسی که تو آفریده‌ای و به من قول زندگی دادی، گفته‌ای که از تو حرکت از من برکت. من چه قدر باید حرکت کنم و تو براکاتت را به دیکتاتورها بدهی، من این زمین تورا نمیخواهم. این زندگی را نمیخواهم و آنطوری که مرا ناخواسته بدینا آورده‌ای از این دنیا ببر، تا وجودم را سرتا پا کفر نگرفته منو ببر، من توان دیدن گرسنگی فرزندانم را ندارم. طاقت فرسایش روزبه روز فرزندانم را ندارم. چه خدائی هستی؟ برای ما گفته‌اند زمانی پرندها را دستور دادی تا به منقار خود سنگ بگیرند و بر سر ظالمین بریزند. پس چرا حالا دستور نمیدهی؟ اگر قادری چرا انجام نمیدهی؟ اگر این قادر نیستی و هر چه توی سرما کرده‌اند، دروغ محض باشه من این زمینت را نمیخواهم. زمینی که پر از ظلم و تبعیض باشه نمیخواهم. زمینی که پدر توان سیر کردن شکم فرزندان را ندارد نمی‌خواهم."

ده میلیون کارگر در بحران معیشت

کارگر ماشین صنعتی را بکار می‌اندازد. بعبارت دیگر کارگر آفریننده ثروت است. در جوامع طبقاتی کار و سرمایه در مقابل هم قرار گرفته‌اند. تضاد میان کار و سرمایه تضادی است آشتی ناپذیر. زیرا محصول کار کارگر در اختیار کارفرما قرار میگیرد. آنها ثروت می‌آفرینند اما از این ثروت بهره‌مند نمیشوند. در کشورهای جهان سومی وضع زندگی کارگران اسفبارتر است. در آمد کارگران هزینه روزمره خانواده آنها را تامین نمی‌کند. در ایران ده میلیون کارگر وجود دارد. حقوق اغلب آنها زیر خط فقر است. اختصاصی سازی کارخانجات دولتی و آزادسازی یارانه‌ها، زمینه را برای بی‌اعتنایی روز افزون مسئولان دولتی به معیشت کارگران فراهم نموده است. مواد غذایی هر روز گرانتر میشود. فعالان جامعه کارگری علیه این گرانی اعتراض میکنند. زیرا دولت درباره جلوگیری از گرانی قیمت‌ها اقدام جدی بعمل نمی‌آورد. مامورین دولت در برابر این اعتراضات سکوت میکنند. حتی برخی از شخصیت‌های صلاحیتدار از ناتوانی دولت در مهار گرانی انتقاد میکنند.

همه ساله در اواخر اسفند ماه حد اقل دستمزد کارگران برای سال آینده تعیین میشود. این در حالی است که تعیین حد اقل دستمزدها با شرایط اقتصادی و تورم موجود هم خوانی ندارد. قیمت‌ها در طول سال چندین بار افزایش میابد. اما افزایش دستمزد کارگران هر سال یک بار آنها با درصد ناچیزی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب است که به ادعای مسئولین حکومتی، دستمزد کارگران تنها کفاف ده روز زندگی آنان را تامین میکند. کارگران کشور با دشواریهای زیادی روبرو هستند و برای تامین مایحتاج خانواده خود درمانده‌اند.

طبق آمارهای موجود برای یک خانواده کارگری بیش از یک میلیون و ششصد هزار تومان در آمد لازم است تا بتواند زندگی خود را تامین کند. اما در عمل حداقل دستمزد کارگران سیصد و هشتاد و نه هزار تومان تعیین شده است. این عدم توازن موجب میشود که جامعه کارگری و خانواده‌های شان بیشترین فشار روحی و اقتصادی را در شرایط اسفبار جامعه تحمل کنند. در سال هزار سیصد و هشتاد و سه حد اقل دستمزد کارگری صد و شصت هزار تومان بود. اکنون سیصد و سی هزار تومان است. اگر این دو رقم را مورد مقایسه قرار دهیم چنین نتیجه بدست میاید. در سال هزار سیصد و هشتاد و سه قیمت هر کیلو گوشت مرغ بین هزار پانصد تا هزار ششصد تومان و قیمت گوشت گوسفند در همین سال بین چهار هزار دویست تا چهار هزار پانصد تومان بود. این ارقام در سال هزار سیصد و نود و یک برای هر کیلو گوشت مرغ بصورت میانگین نزدیک به هشت هزار تومان و برای هر کیلو گوشت بصورت میانگین بیست هزار تومان می‌باشد. که بهیچوجه تناسب با میزان افزایش دستمزدها در سال نود و یک را ندارد. یعنی قیمت‌ها تقریباً سه بار افزایش نشان میدهد.

سوریه آخرین دژ اوتاریتاریزم

کشورهای عربی قرنهای تحت تسلط استعمارگران بسر برده اند. شکست آلمان هیتلری در جنگ دوم جهانی نه تنها به سلطه فاشیسم در اروپا پایان داد. بلکه پایگاه استعمار در جهان را از هم فروپاشید. خاورمیانه عربی جزئی از این کشورها بود که یوغ استعمار را کنار زد و به استقلال ملی دست یافت. مصر در این راه پیشقدم شد. حکومت سلطنتی را برچید و برای پایان دادن به استعمار، کانال سوئز را به مصر برگرداند. تناسب قوا در جهان حمله انگلیس و فرانسه را به مصر خنثی نمود. کانال سوئز برای همیشه به مالکیت صاحبان اصلی آن بر گردانده شد. همچنین مردم الجزایر با توسل به جنگ، فرانسویها را از کشور خود بیرون راندند. تونس و مراکش، لیبی و یمن استقلال خود را بدست آوردند. خاورمیانه عربی به دژ محکم ضد امپریالیستی مبدل گردید. در این سالها بود که شخصیهایی همانند جمال عبدالناصر در مصر، حافظ اسد در سوریه، صدام حسین در عراق، قذافی در لیبی بعنوان شخصیهای استقلال طلب در راس قدرت قرار گرفتند. مصدق نفت ایران را از چنگال انگلیسها بیرون آورد و در مالکیت ایران قرار داد. اما انگلیسها و آمریکاییها با کودتای نظامی مصدق را سرنگون کردند. محمد رضا شاه را بعنوان دست نشانده خود به ایران باز گرداندند. اما کشورهای عربی همچنان در موضع استقلال طلبانه خود پا برجا ماندند. سالها گذشت سه بار اسرائیلی ها با اعراب جنگیدند و در این جنگها پیروز شدند. سران کشورهای عربی مجبور شدند با امپریالیسم جهانی از در سازش در آیند. و دریای نفت کشورهای عربی را در اختیار امپریالیسم جهانی قرار دهند. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی جهان یک قطبی شد. کشورهای غربی از لحاظ اقتصادی و همچنین از لحاظ نظامی تسلط خود را در این کشورها مستحکم نمودند. دولت های خودکامه نتوانستند در کشورهای عربی پایگاه های خود را حفظ نمایند. مردم به پا خاستند. و حاکمان مطلق را از اریکه قدرت پائین کشیدند. این حرکت انقلابی از تونس آغاز گردید و به سراسر کشورهای عربی سرایت نمود. اکنون ما در قرن بیست و یکم زندگی میکنیم. در این دنیای واحد موجودیت حاکمان مطلق معنای واقعی خود را از دست داده اند. هر کشوری برای دست یابی به آزادیهای دمکراتیک امکانات وسیعی دارد. و این امکانات در کشورهای عربی بشیوه انقلاب های دمکراتیک صورت می گیرد. حکومت خودکامه در سراسر کشورهای عربی از میان برداشته میشود. در مصر، در لیبی، در تونس، در یمن انتخابات آزاد برگزار شد. دولت های مردمی در این کشورها سرکار آمدند. مذهبی ها و غیر مذهبی ها این حق را بدست آوردن که در انتخابات آزاد شرکت کنند. مجلس و رئیس جمهور دلخواه خود را انتخاب نمایند. چنین هم شد. در تونس و مصر چنین شد در لیبی و یمن همینطور. اکنون در این کشورها جنگ مذهبی و ضد مذهبی وجود ندارد. مذهبی ها و غیر مذهبی ها بشکل دمکراتیک در ساختمان حکومت فعالانه شرکت میکنند. میتوان گفت که دمکراسی واقعی به این کشورها باز گردانده شده. حاکمان نظامی در مصر شرایطی را بوجود آوردند که مردم مصر قدرت را از آن خود سازند. مجلس ملی و رئیس جمهور خود را، خود

انتخاب کنند. هم اکثریت مجلس و هم رئیس جمهور در مصر به اخوان المسلمین منسوب هستند. اما این به آن معنا نیست که حکومت مصر در دست مسلمانان است. در انتخابات ریاست جمهوری دو نیروی متوازن شرکت کردند. پنجاه و یک درصد آنان اسلامگرا و چهل و نه درصد آنان سکولار هستند. این توازن قوی در قوه مقننه و در قوه مجریه موجودیت خود را حفظ کرده است.

اکنون حکومت سوریه در برابر دمکراسی خواهی مقاومت میکند. بشار اسد برای حفظ بقای حکومت مطلقه خود به نیروی مسلح متوسل شده است و با جنگ جویان ضد اسد مقابله میکند. وضع سوریه نسبت به کشورهای دیگر عربی متفاوت است. سالیان دراز است علویان (شیعیان) قدرت را در دست گرفته اند. سلفی ها در سالهای حکومت حافظ اسد، دست به مبارزه مسلحانه زدند. اما موفق نشدند و سرکوب گردیدند. اکنون نیز تاریخ تکرار میشود. آتش جنگ سنی و شیعه در سوریه در حال شعله ور شدن است. کشورهای عربی ضد استبدادی و همچنین اروپا میخواهند در سوریه حکومت فردی از میان برود و حکومت دمکراتیکی مانند مصر سرکار آید. ولی این خواست به آسانی بدست نمی آید. چون علوی ها با شدت تمام در مقابل این خواست مقاومت می کنند. ایران نیز بعنوان حکومتی خودکامه پشت سر بشار اسد ایستاده است و نمیخواهد سوریه به یک کشور دمکراتیک تبدیل گردد.

در هر حال عمر خودکامگان پایان میپذیرد. برای دست یابی به این امر عوامل عینی و ذهنی هم در منطقه و هم در جهان موجود است. مردم میخواهند سرنوشت خود را خود در دست گیرند و در کشوری آزاد و دمکراتیک زندگی کنند. احزاب سیاسی و تشکل های صنفی خود را آزادانه تشکیل دهند. آزادی قلم، بیان و تجمعات مانند کشورهای اروپایی تامین گردد. بدین ترتیب جایی برای دیکتاتورها باقی نمانده است.

عربها با ریختن خون خود به آزادی دست یافته اند. این مایه خشنودی است زیرا انسان آزاد بدنیا آمده و باید بشکل آزادانه زندگی کند. بهتر است که این مطلب را با این شعر "نیمتاج سلماسی" شاعره شجاع کشورمان به پایان ببریم:

**ایرانیان که فرکیان آرزو کنند
باید نخست کاوه خود جستجو کنند**

مسکن حیاتی ترین خواست زحمتکشان

مارکس در آغاز کتاب کاپیتال مینویسد: سه عامل اساسی یعنی غذا، لباس و مسکن برای دوام زندگی اهمیت حیاتی دارد و کوشش انسان نیز در این سه نقطه متمرکز شده است. در آغاز جوامع ابتدائی، غذا بشکل دستجمعی بدست میامد و دستجمعی هم مصرف میشد. در طول تاریخ انسان مراحل متعددی را برای تامین زندگی خود طی نموده است. در این مراحل بود که برای آسان نمودن دست یابی به وسائل زندگی اختراعاتی انجام میگرفت و زندگی انسان به تدریج مدرنیزه میشد. دست یابی به غذا، لباس و مسکن در مراحل رشد جامعه تامین میگردد. با گسترش تمدن این مشکل به آسانی حل گردید. اما نه برای همه. هنوز هم بسیاری از انسانها برای تامین مسکن همه این عوامل را در دسترس ندارند. و هنوز در شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم مسئله مسکن لاینحل مانده است. مالکیت خصوصی بر زمین حل مسئله مسکن را دشوارتر نموده است. هر کس باید زمینی بخرد و برای خود مسکن بسازد. اما همه قادر نیستند. از این طریق صاحب مسکن شوند.

مسئله مسکن در ایران مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم به مشکل لاینحل مبدل شده است. کارگران و دیگر شهروندان کم در آمد مجبور هستند در خانه های کرایه ای ساکن شوند. و این نیاز ضروری، روزبه روز بیشتر میگردد. بدین وسیله کرایه خانه ها افزایش می یابد.

سرویس خبری روزنامه جمهوری اسلامی (۲۱/۰۲/۱۳۹۱) در این مورد مینویسد: "هزینه مسکن چهل درصد در آمد ماهانه کارگران را می بلعد". عبارتی دقیقتر کارگر کار میکند تا زندگی خانواده خود را تامین نماید. اما مجبور است برای تامین زندگی خانواده، مقدار زیادی از درآمد ماهانه خود را برای کرایه مسکن هزینه کند. بنابه نوشته این روزنامه در سال جاری قیمتها یک باره بالا رفت و شکاف بین درآمد و هزینه خانوارهای کارگری عمیقتر شد. بنابه نوشته این روزنامه هزینه مسکن بیشترین سهم در سبد معیشت خانوار ها را در بر میگردد. در عین حال قیمت مواد غذایی نیز هر روز افزایش می یابد. همچنین حمل و نقل، بهداشت و درمان، تحصیلات و آموزش، نیز بخش دیگری از هزینه های اجتناب ناپذیر خانوارهای کارگری است.

در تمام جوامع طبقاتی بویژه در جهان سوم زندگی انسانهای عادی با مشکل عدیده روبرو است. در ایران ثروت ملی به تازگی میرود. در آمد کلان نفت برای مسابقه تسلیحاتی بر باد داده میشود. صنعتی کردن کشور مطرح نیست. واردات کشورچند بار بیشتر از صادرات آن است. مواد خام بدون آنکه در داخل کشور استفاده شود، بشکل خام از کشور خارج میشود. در خارج به کالا تبدیل میشود و با چند برابر قیمت در بازار ایران به فروش میرسد. مثلا حاکمان کشور بجای اینکه پالایشگاه بسازند بنزین را از خارج وارد میکنند و میلیاردها دلار برای وارد کردن بنزین به جیب کشورهای امپریالیستی می ریزند. بیکاری نیز از همینجا سرچشمه میگردد. اگر در آمد کلان ارز برای ایجاد موسسات تولیدی هزینه شود، فرصت کار برای کارگران پیدا خواهد شد و بیکاری کمتر خواهد گردید.

ایران در عین حال یک کشور بزرگ کشاورزی است. محصولات کشاورزی بخصوص میوه جات مرغوبی در کشور تولید میشود. و امکان گسترش آن نیز وجود دارد. اما کشاورزان مورد حمایت دولت قرار نمی گیرند. میوه های وارداتی نسبت به تولیدات داخلی ارزانتر به بازار عرضه می شود. در نتیجه تولید کنندگان داخلی در مقابل محصولات وارداتی نمی توانند رقابت کنند و ورشکست میشوند. شمال ایران مرکز تولید برنج است. برنج ویتنام و تایلند سه بار ارزانتر از برنج داخلی است. برنج کاران در رقابت با محصولات خارجی قدرت رقابت ندارند و دهقانان مجبورند برای تامین زندگی دست از کشاورزی کشیده و به شهرهای بزرگ مهاجرت کنند و درحاشیه (حصیر آبادها) این شهرها سکونت گزینند. عبارت دقیقتر صاحبان سرمایه از طریق واردات محصولات خارجی به درآمد های کلان دست پیدا می کنند. این همه به قیمت نابودی کامل صنعت و کشاورزی و زندگی زحمتکشان تمام می شود.

تا زمانی که سیستم اجتماعی کنونی حاکم بر جامعه باشد استثمار زحمتکشان از جانب سرمایه داران با بی رحمی ادامه خواهد یافت. ملی کردن سرمایه های بزرگ تنها راه برون رفت برای حل این مشکل می باشد.

سمت و سوی تحولات خاورمیانه

منطقه خاورمیانه در جهان از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار است. همین ویژگی هاست که کشورهای خاورمیانه قرن ها مورد توجه کشورهای غربی قرار گرفته است. خاورمیانه علاوه بر ثروت بیکران نفت و گاز دو دریای بزرگ را نیز به هم وصل میکند. بهمین سبب کشورهای اروپایی و آمریکا میکوشند موقعیت خود را در این منطقه هرچه بیشتر تحکیم نمایند. خاورمیانه نه تنها منطقه استراتژیک نظامی برای غرب است. بلکه منطقه استراتژیک اقتصادی بی همتایی در جهان بشمار می رود. این منطقه از اوایل قرن بیستم تحت سلطه کشورهای غربی در آمد و به جولانگاه آنان تبدیل شد. این منطقه با اینکه دارای ثروت زیرزمینی سرشار است. اما مردم آن در فقر و فاقه بسر میبرند. زیرا ثروت آنان غارت شده و به آمریکا و اروپای غارتگر منتقل میگردد. همین عامل باعث شده که تضاد میان مردم گرسنه و حاکمان مستبد و حامیان آنان هرچه بیشتر عمیقتر شود. مردم این منطقه بار ها با تهاجم نظامی و اعمال قدرت از جانب غرب به مقابله پرداخته اند و مدتی نیز حکومتهای مستقلی سرکار آورده اند. اما با این همه نتوانستند صاحب اصلی ثروت خود شوند. بعد از پایان جنگ دوم جهانی و با حمایت قاطع آمریکا دولت یهودی در مرکز این منطقه تاسیس شد. و این مسئله باعث شد تا سه بار میان اعراب و یهودیان جنگ خونینی به وقوع بپیوندد. دولت چند میلیونی یهود با پشتیبانی کامل آمریکا و اروپای غربی در این جنگ ها پیروز میدان شد و به مشت آهنین غرب در منطقه تبدیل گردید. کشورهای عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا هر یک بشکلی تحت سلطه غرب امپریالیستی قرار داشته و دارند. در سالهای اخیر شیوه وسیع این سلطه گری تغییر کرده است. اما در محتوا چیزی عوض نشده است. اما حوادث کشورهای عربی در چند سال اخیر نشان از یک نوع مبارزه مترقی و استقلال طلبانه است که می تواند در تداوم خود، تغییرات اجتماعی ریشه داری در منطقه بوجود بیاورد. تا مردم قادر باشند در تقسیم عادلانه ثروت و مدیریت کشورشان نقش بازی کنند.

دولت اسرائیل هم اکنون قدرتمندترین دولت خاورمیانه است و با اتکا به موقعیت خود تلاش میکند تا سیاست خود را به دیگر کشورهای منطقه تحمیل نماید. غرب اسرائیل را به مثابه شمشیر داموکلس روی سر کشورهای عربی نگهداشته شده است. اسرائیل با حمایت کشورهای غربی اراضی اعراب فلسطین را بیش از نیم قرن است که تحت اشغال خود در آورده. بدین طریق استقلال و امنیت ملی اعراب فلسطین را زیر پا گذاشته است. جهان «یک پارچه» هم به لحاظ ارضی، هم به لحاظ اقتصادی و مالی تحت تسلط امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپایی او قرار گرفته است. این امریکاست که سیاست جهانی خود را به دیگر کشورها دیکته میکند. و بدون هیچ مانعی ثروت های زیرزمینی جهان بویژه منطقه خاورمیانه را در اختیار خود گرفته است.

اما به نظر می رسد دوران طلایی برای کشورهای امپریالیستی رو به پایان است. هم اکنون همه جهانپان شاهد بحران عمیق ساختاری در کشورهای بزرگ صنعتی بخصوص در کشور آمریکا هستند. شواهد در سالهای گذشته نشان داد که غارت و چپاول ثروت کشورهای ضعیفتر هم علاج این بیماری مهلک نیست. مخصوصا که عصر بیداری توده های مردم فرارسیده و این امکان را براحتی به حاکمان دست نشانده خود نخواهند داد تا هر بالایی می خواهند سر ثروت ملی کشورشان بیاورند. هفت میلیارد انسان در سراسر جهان پراکنده شده اند. آمارها نشان میدهد تنها یک میلیارد از آنان در رفاه نسبی بسر میبرند. بحران اقتصادی جامعه سرمایه داری رفاه بخش بزرگی از این گروه را نیز به خطر انداخته است. آمریکا و کشورهای ثروتمند که منابع طبیعی کره زمین را بشکل وحشیانه ای استثمار میکنند. با توجه به رشد جنبش اعتراضی در جهان بویژه در کشورهای صنعتی بزرگ، علیه سیاست های غلط مالی و مدیریتی تحت عنوان 99 درصدی، دیگر قادر نخواهند بود به غارت جهان مانند گذشته ادامه دهند. انقلاب در کشورهای عربی نشان داد که خاورمیانه و شمال آفریقا با تحولات بزرگی روبرو است. در این کشورها که حاکمان مادام العمر داشتند. پس از انقلاب دولت ها از طریق انتخابات آزاد سرکار آمده اند. با اینکه بخش بزرگی از نیروهای شرکت کننده در جنبش های انقلابی خاورمیانه و شاخ آفریقا از روی کار آمدن دولت های جدید کاملا راضی نیستند اما آنها درک می کنند که هر انقلاب سیاسی و یا تحولات انقلابی سر آغاز تحولات اجتماعی است. و باید برای تحقق آن مبارزه کرد تا به یک تحول عمیق اجتماعی و بسود اکثریت جامعه فرجام پیدا کند. این قانونمندی رشد اجتماعی - اقتصادی هر کشور است. ویژگی هر کشوری، ممکن است شیوه و عملکرد رسیدن به تحولات اجتماعی را کمی با دیگر کشورها متفاوت نشان دهد. اما تحولات اجتماعی نو علیه کهنه حتما رخ خواهد داد.

عارف صفا

منیم آزادلیغیم

منیم آزادلیغیمی تورپاغا باسدیردیلار،
ایگید او غوللاریمی گویلردن آسدیردیلار.
بولودلارا بوروندو شهید او غوللاریمیز،
داغیلدی تالان اولدو تروتمیز، واریمیز.
آغلاشاندا بولودلار آنالارین سسیندن،
شمشک لر اود الدی اونلارین ناله سیندن.
گوزل آرزولاریمیز چوریلدی ویرانه یه.
یاندی اورکلریمیز دونو بیر پروانه یه،
منیم آزادلیغیمی بورودولر دومانا،
ایللردیر آلیشیریق بو اوددا یانا- یانا،
یوخودا اشیدیره م هردن اونون صداسین،
قلبیمده گزدریره م اونون او خوش نواسین.
بیزی قیناماسینلار بیزدن اوز دؤندرلر،
یفین بیر گون گلجک بیزیم او نورلو سحر.
دئمیک آزادلیغیم اوچوب گدیب الیمدن،
عزیز دوستوم، او گونو هر گون سیر ادیره م من.
بیز خیاللا یاشادیق بو آیلاری، ایللری،
دویوشلره چاغیردیق هر گون دوغما انللیری.
هر یاندا آزادلیغیم گویرییر پهرلنیر
اونون شفق لریندن کنلومه نور النیر
آزادلیغیم حله لیک یاخین کلمه بیر منه
او آی تک یاییشیب دیر گویلرین سینه سینه.

کمک مال، به فرقه دمکرات آذربایجان یک وظیفه انقلابی است!

حساب بانکی ما:

Iranli Mohacirlar Camiyyati
Azerbaijan Republic
Kapital Bank, Branch: Yasamal 1
SWIFT: IIAZ2X
USD Accont: 33180018403302338103
Corr.Accont: 36089289
Citibank N.A./New York, USA
SWIFT: CITIUS33
EUR Accont: 33180019783302338103
Corr. Accont: 11347403
Citibank N.A./London
SWIFT: CITIGB2L

ازونو بو گونه قدر گورمه دیم شاعر ظاهر
موختارین تبریزه باغلیغی، منی چوخ
سنویندیدی. شاعرین قبولو قارداشی نگده
سوزجنوبلو قارداشی میز ساز - سوز صنعتکاری
مسلم جانیمنه یازدیغی سلام وار شعرینه جواب
یازماق قرارینا گلدیم. اگر مسلم جانیم ظاهر
موختارا جواب یازمایبسا، اوندان منیم بو شعریمی
اونون عوضنده قبول انسین.
عارف صفا ۲۰۱۲

سلامین مبارک!

تبریز منیم روحوم، قیبله گاهیمدیر،
هر داشی، تورپاغی سجده گاهیمدیر،
هر دردی، کدری نالم، آهیمدیر.
سندن اوز اقلاردا گزمسین الهام،
سلامین مبارک، علیکس سلام!

گوزوم نجه ایلدیر ساوالاندادیر،
قانلی دویوشلرده عصیانلاردادیر،
هم قانلی تبریزده، هم زنداندادیر،
دوشمور الیمیزه حله لیک مقام،
سلامین مبارک، علیکس سلام!

سلام گندر میسن کنلون شاد اولسون،
داغلمیش آرزولار قوی آباد اولسون،
گوزل نیگیلرین کامیاب اولسون،
دایاناق اوز- اوزه الیمیزده شام،
سلامین مبارک، عکیلی سلام!

باشی بلالیدیر بیزیم بو میلت،
دایانیب پوسگوده یانیر حقیقت،
نه انصاف قالیدیر نه ده مروت،
گل اوتور منیمله دردلشک مدام،
سلامین مبارک، عکیلی سلام!

سوزو سوز گتیرییر آرشین دا بزی،
دردی اولانلارین قورتارماز سوزو،
بیزه خور باخانین کور اولسون گوزو،
سوزومو قورتاریم بورادا تمام،
سلامین مبارک، عکیلی سلام!

Azərbaycan qəzeti
5- ci dövr 93 - ci nömrə. Avqust 2012
Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi
www.adf-mk.az

باش رداکتور: امیر علی لاهرودی
قزئت تحریریه هئیتی طرفیندن نشر اولونور
قزنتین آرتیریپ، یاییمی آزاددیر
E- mail info @ adf - mk az